

انجل آقای عزالمالك نایبالحکومه دزفول دام اقباله الی
 تشکیل یافته و قانوناً اعلان انتخابات بیست نفر وکلای
 انجمن بلدیہ را اشاعہ نموده از روز چهارشنبه
 دهم شهر ذیقعده سنہ ۱۳۲۷ الی سه روز سبصد و
 نود دو ورقہ تعرفہ داده و روز شنبہ سیزدهم از
 سبج الی غروب سبصدوشصت و پنج ورقہ رای اخذ
 نموده و در روز یکشنبه و دو شنبہ و سه شنبہ و
 چهارشنبه استخراج آراء نموده تا یکساعت بغروب
 چهارشنبه ہدم مجلس انتخابات ختم شدہ و بیست
 نفر وکلای انجمن بلدیہ دزفول با کثرت آراء بشرح
 ذیل بمبارکی انتخاب شدند

- جناب آقا شیخ محمد مقرر مجتہد (۳۰۵)
 جناب حاج سید محمد جواد (۲۷۵)
 جناب آقا سید اسدالله امام (۲۵۷)
 جناب آقا سید محمد صادق (۲۵۶)
 جناب حاجی محمد صادق قلندر (۲۳۵)
 جناب عماد دفتر (۲۲۲)
 جناب آقا شیخ محمد انصاری مجتہد (۲۲۰)
 جناب قلب السادات (۲۲۵)
 حاجی حسین ضامن (۲۲۰)
 جناب شیخ الاسلام (۲۱۸)
 جناب آقا سید ابراهیم مجتہد (۲۱۷)
 جناب حاجی آقا میرزا محمد حسن مجتہد (۲۱۷)
 جناب آقا شیخ عبدالحمین مجتہد (۲۱۷)
 خواجہ عبدالرحیم بزی (۲۱۶)
 محمد علیخان (۲۱۶)
 جناب آقا سید عبدالحمین آقا شبر (۲۰۵)
 جناب حاج شیخ محمد جواد (۱۹۴)
 حاجی حسین گرگ (۱۸۷)
 آقا حسین مستوفی (۱۸۴)
 حاجی محمد رشید عصارہ (۱۱۹)

بتاریخ روز چهارشنبه یکساعت بغروب مانده
 ہفدهم شهر ذیقعده الحرام سنہ ۱۳۲۷

انتخاب بمولان دزفول

الحمد لله رب العالمین بتوجه حضرت امام عصر
 عجل قدسالی فرجه عمل انتخابات بلدیہ طیبہ دزفول
 بہ تفصیل ذیل اجتمام پذیرفته و روز دوشنبہ ہفدهم
 شهر محرم ۱۳۲۷ ہجرت نظر مطابق حدہ بازہم
 قانون انتخابات مقرر کردہ از انجمن بلدیہ دزفول تشکیل

یافت و اعلان انتخابات برحسب قرار داد ہیئت
 نظر دو روز سه شنبہ ہیچدم اشاعہ شد و مطابق
 اعلان مزبور در مسجد شاه رکن الدین از روز
 سه شنبہ بیست و پنجم الی شنبہ بیست و نهم شهر
 مزبور از پنج بغروب مانده الی غروب پنج روز
 متوالی مطابق نبت کتابچہ پانصد نود و هشت ورقہ
 تعرفہ با ملاحظہ شرایط انتخابات داده شد، و از روز
 دوشنبہ غره دیقعده الی چهارشنبه سیم شهر مزبور
 از پنج بغروب الی غروب پانصد و شصت و نہ رای
 اخذ شد، و در روز پنجشنبه چهارم شهر مزبور سه
 ساعت از دستہ گذشته در مسجد شاه رکن الدین
 ہیئت انجمن نظارت برای استخراج آراء منعقد و
 ساعت دو بغروب مانده ختم گردید، مطابق صورت
 ذیل با کثرت نسی جناب حاجی عزالمالك بدویست
 و یک رای و جناب شیخ محمد علی بہجت بہ یکصد
 و بیست و نہ رای و جناب آقا شیخ محمدرضا مجتہد
 بہ یکصد و بیست و پنج رای منتخب درجہ اول
 دزفول شدند

اجزای عدلیہ اعظم دزفول

(اداره محاکمات)

رئیس کل جناب آقا میرزا مہدیخان - معاون دوقدر
 میرزا سید حسینخان و سید عدالمحمد یکنفر منشی
 (اعضای محاکمات تجارن)

حاجی سید محمد جواد - حاجی علی محمد -
 حاجی ملا محمد شی - حاجی محمد کاظم عصارہ
 (اداره احضار)

رئیس میرزا علی محمد خان - یکنفر منشی -
 دوقدر فراش -
 (اداره اجرا)

رئیس میرزا حسن - یکنفر منشی - سه نفر فراش
 بتاریخ ۵ شهر ذی الحجۃ الحرام سنہ ۱۳۲۷

انتخابات محرمہ

نخست اینها را بایست بہ نظر آورد کہ اولاً
 چون تا این اوقات مذاکرات مشروطیت واقعیت
 نداشته در (محرمہ) و توابع نیز انتخابات تا کنون
 وقوع نیافته و این اولین و حلہ است، ثانیاً در جامانی
 ہم کہ سابقاً و لاحقاً انتخاب گردیده است اغلبی بہ
 زعم برخی موافق قانون انتخابات نبوده و بہر حال
 بہتر از این است کہ انتخابات لغتہ است و ثالثاً در

ایموقع به محض آنکه از دارالخلافه و از طرف
باشرف حضرات حجج اسلام اشاره به انتخاب شد
جناب سردار ارفع باوجودیکه مریض و بستری بودند
فوراً حکم به تشکیل (انجمن بطار) و دادن تعرفه
و گرفتن رأی روفق قانون فرمودید و قبل از
وقت در شهر و غیره اعلان و به اهالی اخبار دادند
تا در یوم یکشنبه (۲۶) بمحجه انجمن مبرور که
منتخب و مرکب از جناب (حاج شیخ عیسی) مجتهد ،
جناب (اعتلاءالدوله) کارگزار ، جناب (حاج رئیس)
پیشکار حکومت از جانب حکمران ، (حاج فیصل)
از معاریب اعراب ، (حاج قربانعلی) تاجر شیرازی
(آقا عبدالتی) تاجر کازرونی بود برای تقسیم تعرفه
و پس از چند روز برای اخذ رأی اعداد یافتند
هرکس شتاتاً گردید (۲۶۶) تعرفه داده شد و
به استثنای (۷) سر آنها که هنگام دادن رأی حاضر
نشدد مافی از آنجا ~~که~~ قانوناً هر یک میبایست
در حق سه نفر رأی بدهند (۲۳۲) رأی به اسم
جناب (حاج مشیرالتجار) و (۲۰۴) رأی به اسم
(حاج فیصل) و (۲۱۱) رأی به اسم (حاج
قربانعلی) و بنیه به اساسی متعدد مختلفه بیرون آمد
و بپا علیه حاج مشیر و حاج فیصل و حاج قربانعلی
به اکثریت انتخاب گردیدند ، انجمن در کمال انتظام
بوده و حاج قربانعلی از واردین پذیرائی مینمود و
منتخبین نیز محل تصدیق جماعات عجم و عرب هستند
و حق این است جناب سردار و نماینده ایشان
جناب حاج رئیس پیشکار و غیره بقدر ممکن از رعایت
قانون فروگذار نکرده اند ، چون وقت افتتاح مجلس
مقدس دارالشورای ملی جناب سردار هم به شرح
معروض سابق در محرم بمرام جشن قیام و اقدام
و هم تبریک و تهنیت و مراتب مسرت و محاسنت
خودشان را تلگرافاً بمركز اعلام کرده بودند لهذا
جوابیکه از مجلس مقدس آمده است مناسب دید در
ذیل مندرج کند ، امید چنانست ایشان همه روزه
بر محاسن اقدامات بیفزایند و مصادو امور و بلکه
قاطبه و جهور نیز قدردانی فرمایند

(از طهران به محرم جواب نمبر ۳)

جناب اجل آقای سردار ارفع دام اقباله تلگراف
تبریک حاکی از احساسات قلبی واصل دو مجلس
شورای ملی قرائت و موجب مزید اعتیان عموم

نمایندگان ملت گردید مستشارالدوله

انتخاب مبعوث ملی در بوشهر

بعد از آنکه مکرر بر مکرر از طرف دولت
احکام عدیبه در انتخاب و ارسال مبعوث ملی دربنادر
صادر گردید انجمن نماری مرکب از چند نفر
متباین المذاق و معدوم الوفاق تشکیل یافت ، دو عرض
مدت چندروز متوالی قریب باصد ورقه تعرفه بین
مردم منتشر شد ، چیزی که جالب دقت و موجب
تعجب و حیرت است همان اقبال مردمان مهران و
مزدوران جهازات و عمله و بپا و قبلی از کسبه
بازار از صنف بقال بگرفتن تعرفه بود ، روز آخر
در انجمن بن دو نفر از بطار در حضور حکمران
نزاع لاطلی درگیر شد ، اگرچه این اول وقتی بود
که این منازعات فطلی و مناقشات لایق مطرح شده
موضوع و نتیجه حقیقی بهمان لاطلی و سخنان شد
و مد دار ضایع و مهمل شده باشد لیکن این
منازعه نزدیک بود زحمت چند روزه آقایان باطل
و قافله را تا بخرنگ سازد ،

اوامر منازعه آنچه بر مردم واضح گردید این
بود که اتاب آراء حرید شده و هر یک از متخاصمین
سبب این عمل را بدیگری می دادند و شاید هر دو
صادق یا بودند جدا میداند ، خلاصه عصر
جمعه دوم شهر محرم آقا میرزا حسین منشی قونسوله
آلمان و آقا میرزا علی کاذرونی با اکثریت آراء بسی
برای دوره اول انتخاب شدند عملاً منتظر چهار نفر
وکلاء عباسی و ~~تسه~~ و نوابح هستند از قرار اعلانی
که از طرف حکومت و انجمن نمار برای آنها رفته
اگر تا آخر ماه محرم وکلاء ایشان بوشهر رسیده
این دوره حق ایشان ساقط و در خود بوشهر چهار
نفر دیگر انتخاب خواهد شد

کم کم گفتار اثر می نماید

زمزمه تحسید فروش تریاک در بوشهر قریح
اسامع می نماید و تا یک اندازه گویا بصحت پیوسته
که اداره فروش تریاک بچند نفر امین منظر ~~که~~
دوچه امانت خود را در زمان کلاتری حکام استبداد
از تحت الصنر گذرانیده اند سپرده شده است ، حمد
خدا بر آنکه منت خوران بیکار بر سر خدمت آمده
دیگر از راه فوجانی در وقت کسب محبت نخواهد
تعمود باج سپیل ~~نفر~~ گفت ، ایها خدا بر باد کسبه

بجایه برسد که باید هر روز گرفتار يك نوع اتهام بشوند مگر بزودی رئیس عدلیه از طهران وارد شده و سه راه تقلبات این زمرة و دبیة موزیة بنماید - از پس مردم از بی اعتدالی و اجحاف بستوه آمده و متصل درخواست افتاح عدلیه می نمودند از طرف حکمران اعلان صادر شد که در دارالحکومه طبقه علماء و تجار و کسبه حاضر شده مرطبه دو نفر امین از طبقه خود برای عدایه موقی انتخاب نمایند ، و تلگرافاً نیز از طهران اجازه افتاح عدایه خواسته بودند، پوم قبل تلگرافی از وزارت داخله برای حکومت رسید باین مضمون (از طرف وزارت عدایه رئیس بادستور العمل و کتابچه مخصوص برای برای بوشهر حرکت خواهد نمود شما در اینکار مداخله ننمایید و الا مسؤل خواهد بود)

بسیار خوب انجمن ولایتی بوشهر دائر و کلاسه دوره اول برای مجوث ملی مبن اداره عدایه نیز آئیده منقحتم الوقوع ، آیا اداره نظیه هم موجود شده ؛ علی یکده از جوانان رشید ملت را برای نظیه باسم پلیس لباس مخصوص پوشانیده و امروز نیز بنظر و کلاسه انجمن رسانیده، بسیار برازنده و لایق این خدمت هستند ، ولی آنکس که ریاست این هیئت در عهده گرفته ، مسؤل امنیت شهر و حفظ اموال رعایاست کیست ، آیا همان کلاتری که باید سالی بیست هزار تومان مال الاجاره بدهد ریاست نظیه را دارا خواهد شد ؛ آیا بهمین چند نفر حقیقت نظام در این شهر جاری خواهد گردید ؟ باید دید ! باید دید ! فی الحقیقه از برای ما اهالی بوشهر که تا بحال چیزی ندیده ایم خیل بنظر منظره عجیب و غریبی دیده میشود ، معلوم است اداره بلدیة هم بهمین زودی مرتب خواهد شد و بیک کله انشاء الله کوجها سطح خیابانها وسیع اوزاق فراوان احتکار بر طرف شده شبها از اشعه انوار چراغهای برقی کوجها منور مردم آسوده پلیسها مشغول محافظت خواهند گردید باز هم انشاء الله

کاذبون

مجدداً بی نظمی و اغتشاش در این قصبه دائر گردیده هر شب يك دو باب دکان را غارت می نمایند حکومت آنجا اقتداری ندارد ، کلاتر شهر هر چه خواهد پروا می و ترس در محفل اجراء خواهد گذاشت ، قوای بواسطه خراب شدن کتل و

کارج از سمت خانه زنیان بطرف جره رفته و از آنجا از طریق سرمشهد و بلوک دشتی بوشهر آمد و شد می نمایند ، و از هنگامی که کفالت امنیت راه بریده صولة الدوله واگذار شده مال الاجاره در کمال سلامت بمحل مقصود ایاب و ذهاب می نماید مکاربان نیز همه از سلوک تفککچیان و مبشرین این راه راضی و خوشحاند و خدا را شکر می کنند که موقفاً از اجحافات و تعدیات محافظین راه از خانه زنیان تا بوشهر نجات یافته اند ، ولی نیتدایم چه سری است که بیوسته قاصد پست را لحت و غارت نموده آنچه امانت و چیز های قیمتی است به یغما می برند این هفته نیز قاصد را در حوالی ده شیخ غارت نموده ، جمیع خطوط داخله و خارجه را يك يك باز و پاره نمودند ، و قاصد را بجدی زده اند که مشرف بموت شده بود

مکتوب بجهت زبانه یکتر مسافر از بوشهر

(مدت از زیارت عدات عالیات داخل)

(در دروازه وطن ننده)

مدت بیکاه است بحکم تقدیر بواسطه سرما و خرابی راه در بندر ابوشهر توقف اختیار نمودام بواسطه جنسیت و همکاری با اهالی تجار و کسبه این شهر آمیزش و احتلاط بهم رسانیده تا يك اندازه را اخلاق و عادات اهالی آشنا و از بعضی حالات ایشان مستحصر گردیده ام ، می بینم هر چه نکبت و بدبختی است شامل احوال این مشت مخلوق از همه چیز غاری شده است ، هر کس بفکر آنست که گلیم خود را از آب بیرون کشد ، فریاد و انسا و اوایلای شخصی از همه بلند است ، يك نفر چه از نظام چه از علم چه از واعظ چه از تاجر چه از کسبه بفکر اصلاح کار نیستند ، فواید نوعی را می شناسند رئیس و مرؤس معلوم نیست مقدمه و مقصود پیدا نه هر يك بطرحی کوسی می نوازند حقیقت از میان آنان معدوم گردیده در هم سوطه و رند ، لیکن مقصود اصلی نیتداند چیست یا آنکه میدانند لیکن حقد و حسد و کینه و عداوت و حرص و طمع چرم و گوششان را کور و کر نموده که برشته از از کتب آمر و مامور حاکم و محکوم گسیخته ، و شوروی ماده غنای چنان چشمه را بر آب کرده که نمی تواند باین زودی از این گویاب خطرناک بیرون آئیده

جسی فحاشی را سرمایه خود قرار داده، برخی خود را مترس حکومت و وکلاء گردانده، دیگری که تا دیروز خون رعایا را در شیشه مستبدین میریخت ما ملت ما ملت را ورد زمان ساخته از دشنام دادن احدی فروگذاری نمی نماید، از آنطرف آنها که خود را بدستباری حیل و دغا و سگیل قرار داده نوعی رفتار می نمایند که وکالت و انجمن و مشروطه را بدنام کرده اند، وکیل باید حفظ حقوق نوعی کند نه تصدیق، وکیل باید در صد آبادی مملکت باشد نه خرابی، وکیل باید رفع ظلم نماید نه جلب ظلم، وکیل باید ناظر اعمال ادارات دولتی باشد نه متعلق و مرتبی، وکیل باید در عواید ملکی ماطق باشد نه نقش دیوار، وکیل باید منصف و مدارا باشد نه لجوج و شدار وکیل کسی است که شب و روز در فکر عزت و شرف و راحت ملت بکوشد نه با کمال بی شرفی در پی جلب منعت غیر مشروع باشد، وکیل کسی است که با سلامت نفس و همت مردانه و کمال حزم بدون شائبه غرض محض رضای خدا بار گران وکالت را حمل نموده در راه ملت خدمت نماید، بنده که هیچ یک از این مطالب صحیحه در وجود این زمره وکلاء ندیدم خودشان نیز با کمال بروی تصدیق نموده و یکدیگر را نیز مهم و تکذیب می نمایند

همین اشخاص مجدداً بر سر وکالت و انتخاب برای دارالشورا بجان یکدیگر افتاده اند بد از آنکه به تطبیع و فریب با انتخاب مشتی نادان عامی و مردم صحرائی که ابدأ معروفیت محل نداشتند و تمیز وکیل و انتخاب و مقصودی جز نان و آب نمی دانند دو نفر برای مبعوث مل انتخاب شده اند هیاهوی در مردم افکنده اند که نزدیک است رشته امنیت طبیعی از هم گسیخته گردد، بطرفیاری هر یک جسی برخواسته لوائح اعتراضیه برود و عدم لیاقت یکدیگر می نویسند، طرفی میگویند یکی نماینده دولت اجنبی است و دیگری مفد حق این است که هیچکدام بر فرض تکذیب این مقولات لایق و سزاوار این امر مهم خطیر نیستند و در اهل انتخاب شان با آن وضع منشوش باطل بوده است، ملت بوشهر راست است که يك نفر از دانشمندان طهران یا کسیکه در خارجه مقیمند مانند . . .

برای خود انتخاب نمایند، یا آنکه زحمت این کار در این دوره بدارالشورا محول دارند، شك نیست که این شق اخیر برای آنها اصلح و اسلم است علاوه نزاع و کدورت که کم کم بهمین واسطه بین ایشان تولید شده مرتفع میگردد و الا باین وضع بی علمی اهالی و غرض این نمره اشخاص که آبادی خود را در خرابی ملت فرض نموده اند کسی از اهالی بنادر بوکالت منتخب و روانه نخواهد شد .

کمان بعضی را این است که عمده اینجانبی و بر اعتدالی از این است که شخص حکومت بواسطه قدمت و طول اقامت باطبیع بومی و نسبت بافرادمطبیع گردیده با همه بی اسبابی میبخواهد همه کس از وی راضی باشد بجای آنکه بمعضلات امور به پردازد و اصلاح کلیات نماید خود را گرفتار جزئیات و راضی نمودن بعضی مردمان منلوک بی کار گردانیده است، من چنین دارم این انجمن برای بنادر بجای نفع تولید ضرر های کالی خواهد نمود و شك نیست که دست بعضی . . . در کار باشد، حکومت بنادر و اهالی واقفاً اگر مشروطه خواهند باید مملکت خود را تغییر داده با بوظایف خود مشغول اجزاء عملیات شوند اگر راستی ترقی خواهند در صدد بلدی و نظمی و تدلیه که سه پایه عمده اساس آبادی و آسودگی و امنیت است برآیند ادارات دولتی را ایجاد و جرج ادارات را بگردش آورند و گرنه هر روز در انجمن حاضر شده دو زانو نشستن قدری مباحث الناظ گسته بی ربط پیچیدن چه حاصلی برای ملت دارد، چنانچه از اهالی شنیدم میگفتند هشت مامست هر هفته ما باید نمره بگیریم و وکیل انتخاب نایم نمی فهمیدیم این وکلاء برای چه، و چه می خواهند بکنند، متجاوز از ده نفره انتخاب بعمل آمده و باطل شده است . . . آری همه میگویند اینها از مستبدین است، بنده عرض میکنم از جهالت و ظلم خود اهالی است اهالی همه نادان و نسبت یکدیگر مستبد و مناقند والا چرا با این کثرت و ثروت بگذارند يك نفر یا ده نفر بر آنها ظلم نمایند .

حاکم باید اجراء اوامر انجمن بکند حاکم باید عدل و مساوات در میان مردم جاری سازد حاکم باید از کثرت مخالفین همه خواب و راحت نداشته باشد خوب سلطان حاکم نظام و مستبد و توانی و مرتبی

ای مردم چرا راضی میشوید چرا ظلم می کنید چرا می گذارید بشما ستم کنند راستش این است که ما مستحق هستیم معلوم و گناهمکاریم هر عیب که هست از بی اتفاق خود ما است

(زی تیر زکه کرده برخویش به بینید)

(واسگاہ بگوئید که از ما است که بر ما است)

ننگارش یکی از دردمندان

(بی قدر چمن را ببلبل شوریده میداند)

(غم مرگ برادر را برادر مرده میداند)

ای ایرانیان که با جماع دوست و دشمن متقدمین و متاخرین، وطن مقدس شما منبع انسانیت و منشأ احسان و کان غیرت بوده و هست و خواهد بود هر اجنبی بخاک مقدس شما تفر و وارد شد اگر چه دشمن دین و دولت تان بود چنان مهان نوازی گردید که اندام مایل بر رفتن نشده و اگر رفت عنی رفت و بامید مراجعت چنانکه مشنحات تاریخ و اوراق سیاحان هم گواه است

در این قرن چهاردهم نزدیک بود که قوه قویه استبداد ورق را برگرداند و علم شیر و خورشید را سرنگون که یکمرتبه شیر مردان و خورشید زنان (تبری غیرت خیز) متقامت دو سال یک و تنها با حزب شیاطین جنکیده از هیچ قسم اقدامات فداکارانه بذل جال و مال و اهل و عیال قدسی واپس ننهادند و دی آسوده نه نشستند تا چادر جوسر استبدادیان انداختند (لذل هذا فالعمل الماملون) بحق میدادید که بزیدیان آب و نان را هم بروی آنها ریستند ای ایرانیان اگر نبودند تبریزیان امروز جامه زنان پوشیده و در جرگه اسیران داخل شده بودید

اکنون که هزاران زلف بی شوهر و خواهر بی برادر و مادر بی پسر و اطفال بی پدر شده اند در این هوای زمستان بی نان و لباس و مکان در روی برفها و یخها بسر میبرند می میرند آخر آنها هم صاحب راحت و خانه و نوسکر بودند و همه را بقدای شما کردند و نام شما را مجدداً بلند کردند و هر کس کسی تنگ در بند بگیرد که بوسه بر لبش شمشیر آبدار روند آخر شام که در داخله و خارجه هستید مردم از

شهادی وطن را فراموش کردید و اعانه نمیفرستید نکونید یک مرتبه فرستادیم پس است، تبریز بسیار شهر بزرگی است و باقی ماندگان شهادی راه حریت و عدالت بغایت زیاد بر فرض اگر اعانه زیادتر از قدر لزوم باشد یقین بدانید که اصراف نورزیده باز باصلاح مملکت شما صرف خواهند نمود چنانکه میکند و هنوز هم از پانه نشسته اند

ای ایرانیان ای حلال زادگان وطن روز غیرت است و موقع همت و منگام امتحان و تجربه چه شود گر محک تجربه آید بیان تاسیه روی شود هر که در او تش باشد بذاتلی وطن پرستی نمی شود بدهید تا در دنیا و عقی سر باند کردید

درخانه اگر کس است یک حرف پس است (ح - م - ابوالقاسم - م - مراعه - در هندوستان)

مکتوب از پشاور
وقتی که اسان قلم بدست گرفته خیالاتش بدریای افکار مصادف شده نمیداند کدام یک از دلت و خراب امورات ملت را نوشته و مردم را به ترمیم و اصلاح آن دعوت نماید، آیا عدم تکمیل وزارتخانه ها را به نویسد، تنظیم اداره قشون را بخواهد، نداشتن پول و معارف را حکایت نماید، یا اینکه حرکت علماء سوء را که حضرت در حق آنان میزراید (هؤلاء القوم اضر علی شیعتنا من حیث یزید ابن معاویه علی قتل الحسن) که امروز محض هوا نفس و ترقی شخصی مردم را با طاب های محکم باسفناس درجه تنزل میخوانند سوق دهند و سدی در جلو احساسات ملت به بندند بنگارد

(میزند شور چون بار دگر سودای من)
بالجمله برای ذکر مقصود از ایراد یک مقدمه ناگزیرم بارما در کتاب خواند و از وعاط محترم شنیده بودم که در خاک ایران شهری است (پشاور) زمانی که حضرت رضا سلام الله علیه عازم شهر طوس بودند از این شهر عبور می نمایند اهالی آن حضرت را متابعت نموده و از برای تخریب آن حدیث مقدس که (کلمه لا اله الا الله - حنی فن دخل فی حنی امن من عذاب) دوازده هزار قلمدان مرصع بیرون آمده و این حدیث را می نویسند و هم در تاریخ بخوانند مردم که این شهر از بناهای

شاه پور ذوالاكتاف است بدستور العمل معاران سار پشه مناظر واپسده های عالی محض نموه علمت واجلال خود از حبه اخلاف به یادگار باقی گذارده، علاوه شبده بودم که این شهر هفت یا نه هزار علی در روایتی قات رو تنبیه دارد، متنها آمال و آروم از درگاه حضرت احدیب این بود که یک روز از رنگی مرا در این شهر قرار بدهد

از طرفی دیگر در هر جا حریده بود برداشته و اورا ورق میزدیم به نیم از اندامات اهالی این شهر بزرگ چه نوشته اند تا مگر خود را مذکور حس اقدامات و نیکو کاری اهالی این شهر مشمول داشته تا چه وقت دیدار آن شهر بصیم گردد، متاسفانه در این مدت نجس در هیچ یک از روزنامجات رسمی و غیر رسمی اسی از این شهر ندیدم، از چهار ماه قبل در بعضی از جراید داخله می بینم که نوشته شده جناب صدرالادباء نحوی قزوینی بمحضدت جناب آقای سالار هاپوت نایبالحکومه در این شهر مدرسه باسم سالاریه افتتاح کرده اند و تعجب می افزود که چگونه می شود شهر مابین جمعیت تا حال مدرسه نداشته اند و حالا هم یک مدرسه افتتاح کرده اند، تا اینکه در یکجا قبل اتفاق در این شهر سره بذیراں گسترده با قاصدی قسمت نام دعونم کرده به محنت توقش دوچارم گردانید از کایه مطالب و مشاهدات مقتره در گذشته فقط وقت و توجه اولیاء امور را بدین چند سطر دلیل جلب می نمایم

اولا این شهر تقریبا دارای بیست پنج هزار جمعیت است بغیر از ده دوازده نفر از محترمین نام اهالی هر یک به تقریبی سائل به کنند و مانند همان خلقت اولیاء بشر که در پیغولسا زندگی میس کردند اصرار معیشت می نمایند، بهمت اهالی در این شهر هفتاد الی هشتاد دوکان شیره کشی در نهایت انتظام دائر است، مرتکبین که بالغ بر پنج هزار نفرند روزها در کارخانهای بنبه که آرامنه تشکیل داده اند مزدوری کرده پس از فراغت از کار بشهر آمده درهای شیره خانها را باز کرده وارد آن کارخانه میت سازی میشوند همه روزه همت همت نفر از این ادارات تصدیق نامه کامل بودن شیره خیشنی خود شان را از ویس آن اداره گرفته بجهت انوار

ارائه داده جان را بجات آفرین تسلیم می نمایند مدنی است که در طهران اداره تجدید تربیک مرتب شده است اولیاء امور میدانم چرا رشته آن اداره را در ایالات و ولایات مفتوح نمی نمایند

بالاخره حالا چون بحمدالله روز هجران و شب فرقت یار آخر و در مجلسی کعبه آمال ما یعنی دار الشورای کعبه برای مقدس ملی باز شده است و چشم های رمد دیده ما بیدارش روشن گردیده امروز قلم آزاد و چشم ها باز و هوشها فراز است میخواهم در اولین افتتاح پاراست و آخر این مقاله بشرح یک اتفاق غیر متعارف با حضور حضرتت یک محاکمه عادلانه نمایم

دوقریه (دررود) که یکی از توابع نیشابور است حاجی ملا محمد باقر نامی ملای آن محل دو نفر شخص جوارا مجرم اسمعیلی مذهب شخصا خودش از قوت ایمان یا از تساوت قلب سر بریده است (آفرین بر قوت بازوی او)

بمجم حضرت وزیر داخله حکومت نیشابور با زحمت زیاد این شخص را دست گیر کرده روانه طهران نموده زمانی که این شخص را حکومت نیشابور حبس کرده بود یک شی خدمت ایشان رقم مذاکرات فیما بین را محض اطلاع قارئین عرض می نمایم

س - جناب حاجی آقا مردم میگویند که شما دو نفر را سر بریده اید واقعبت دارد؟

ج - بی الحمد لله شکر میکنم خداوند را که به من کرامت فرمود ایمان کامل که من خودم شخصا باین امر اقدام کردم

س - اما عقیده من این است که اگر مقصود شما به کار نواب بود اگر میرفتید بتزویب و اقدایی میس کردید که روس ها از تزویب خارج نمی شدند دیگر دست اندازی بظلمت زن باغبان نمی فرمودید نواب آن بیشتر بود؟ زیرا که در باب عصمت حضرت نبویه چه قدر سنارش ها فرموده اند؟

ج - آقا شما مسبوق نیستید امروز باید و جوانان این اشخاص را معدوم کرده زیرا که اینها اختلال در شریعت ما می نمایند، اینها کالون و اسمعیلی و لامعنه و ...

این مذاهب مختلف که فرمودید هستند و شما هم خودتان را صریح شریعت میدانید، آیا باین ترتیب ترویج شریعت میشود؟ خداوند در قرآن مجید به پیغمبر خود میفرماید (و ادع سیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن) حضرت نبوی پست و سه سال مرد مرا دعوت نمودند گاهی بدلیل حکمت گاهی بمواعظ حسنه گاهی بدلیل مجادله بالتي هي احسن، خود شما میگویند و معتقدید که (کل مولود یولد علی الفطرة و ابواه یهودانه او نصرانه او مجسانه) پس این دو نفر را که شما بقتل رسانیدید ابدأ تصبری نداشتند، زیرا که پدران اینها دارای این مذهب بوده اند، پدرشان این مذهب را از طفولیت باین ها القاء کرده اند، اگر شما در صدد ترویج شریعت بودید شایسته این بود که يك مكتهی در آن محل افتتاح نماید آداب شریعت خرا را بیک بیان ساده و فارسی مصطلح ترجمه کرده در آن مکتب باطلال می آموختند، پدران اطال را هم در مساجد که بالای منبر میرفتند بموعظه و نصیحت ایشان بصراط مستقیم اسلام و شریعت خرا دعوت می نمودید طولی نمی کشید که در آن محل يك نفر دارای مذهب اسمعیلی می ماند، آیا بکشتن این دو نفر يك نفر از اسمعیلی ها از عقیده خودشان برگشتند و قبول تبلیغ شما را نمودند ؟

ج - این ها که فرمودید همه صحیح است ولی شما مسبوق نیستید این اشخاص ابدأ قابل تربیت نیستند دیدم حرفهای من ابدأ در این سخت دلان اثر نمیکنند بعقیده ناقص خود ثابت و مستقیم اند

(بر سیه دل چه سود گشتن و عطف)
(زود میبخ آهین بر سنگ)

بعد از دو روز این آدم را بطهران حرکت دادند تا حال خبری نرسیده که با او چه قسم رفتار کرده اند، آخر شارا بخدا به بنید جهالت تا چه درجه در ابدان فرسوده ما ریخته دوایدماست، همه ساله چندین نفر از اهالی بواسطه عدم مراعات حفظ الصحة و گروهی از ظلم حکام جور دار فانی را و داع میگویند و جساعتی از تنوس محترم برادران دینی ما از شدت فقر که از جهالت ناشی است از خاک پاک ایران باطلوات هندوستان و اخیل و ترکستان

و بیابانهای اجانب گریبانه جان میدهند کافی نیست که باید برخی را هم خودمان باسم کافری سر به بریم ای آن برکت و سعادتیکه باضلاع مشرق نزول فرمودی آیا شود که ما هم از همت مردان ایران نزولت را مبارک شمرده و مقدمت را بردیده گذاریم: چنانکه ترقیبات ملل با نشان میدهد رفع این هم، ذلت و بدبختی فقط به تأسیس مدارس و انتشار علم است، بی از شرافت علم است که هر کس دست توصل بعرفت الهی و نجات آخرت میزند از نتایج علم است که قوای ظلم و استبداد برطرف و معدوم میشود

از برکت علم است که آسودگی عباد و تعمیر بلاد و تأمین طرق و قوت تجارت و تعمیم زراعت و توسعه کشور و انتظام لشکر را دعوت می نماید از سعادت علم است که حقوق بشریه ملتی در افطار عالم محفوظ می ماند

از نمرات علم است که حدود و ناموس قومی را محترم می شمارند (ن - ح - ی)

مراسله جناب فخر الملک حکمران کل عربستان -
از آنجائیکه بر آحاد و افراد ملت لازم است هرچه از خدمتگذاری بوطن از دستشان بر آید باید کوتاهی نکنند این بنده که نیز یک نفر رعیت ایران هستم بخدمت عربستان نامزد شدم با آنکه عربستان همیشه چند فوج و سوار مشغول خدمت داشته این بنده بفضل خدا وتوجه انمهدا سلام الله علیهم احصین فقط با یکصد و پنجاه نفر سواره بختیاری بطوری خطه عربستان را منظم نموده که بمحداقه اسمی از بی نظمی باقی نماند، وکلای محترم مجلس را روانه نموده انجمن ولایتی و بلدی را با محذورات که در جلو بود دایر خدمتی پیش ازین رجوع نشده بود برای اعانه هم وجعی که ملک خود را گرو گذارده بودم و برای مخارج اهل و عیال گذاشته بودم اعانه را مقدم داشته تقدیم کردم مبلنی هم که در اول مشرومیت برای اثبات ملت برستی باسم سنگ ملی تحویل حاج محمد اسمعیل نموده آن را هم حواله کردم هر قدر میخواهند از مشارالیه بگیرند و بخارف اعانه برسانند و فعلاً چیزی که بقتل قاصر میرسد رأی خود را به عرض میرسانم و از این عرض جدا میدانند

اطهار میدارم

در اینکه جنابان مستطابان اجل اکرم آقای سیدار اعظم و آقای وزیر داخله امروز استحقاقاً باین مشاغل عمده مشغول هستید جای شک و شبه نیست . اولاً از جان خود گذشته جان و مال دادند و مشروطه گرفتند و مملکت را آزاد کردند باید تمام ملت از این دو بزرگوار متشکر باشند نانیاً واقعاً رشید تر و آگاه تر از آنها هم فعلاً کسی را در ایرات نداریم البته باین نکات و دقائق هم ملتفت هستید ولی بنده هم اطهار عقیده اگر بنجام ضرر نخواهند داشت ، اولاً برای حیات و علاج برالساعه امنیت است که بهانه بدست خارجه داده نشود و این قهره منحصر است به سی هزار قشون که منقسم به سه اردوی متحرک شود در مدت شش ماه و تخمیناً سه کرور تومان کاف است برای مخارج این سه اردو که استقراض شود بدست قلیلی ولو از خارجه هم ضرر ندارد استقراض شود ، اول حمل اردو ها حرکت نمایند ده کرور مالیات باقی مانده هذه السنه و ده کرور مالیات سنه آتی را وصول خواهند کرد و بطم کاملی هم خواهند داد سه کرور وجه استقراضی را تادیه نموده بقیه را هم بمصارفی که مجلس شورای کبری صلاح بدانند خواهند رسانید قشون هم فعلاً باید همان افواج و سوار باشد منتهی مخارج کاف بدهند اگر مشاق با علم بهر فوج داده شود البته خوب است ولی فعلاً چون آحاد سرباز از سر کرده قدیم خود اطاعتشان بیشتر است خوب است همان صاحبمنصبان قدیم باشند بعد کم کم مثلاً از طهران شروع نمایند ، چند فوج بطرز جدید رفته رفته بوزین و عراق و جاهای دیگر تدریجاً افواج را منظم نماید و برای تعدیل مالیات هم همینطور از ابتدا طهران و ولایت های نزدیک را شروع بمیزی نمایند و اگر صلاح بدانند عشر گرفته شود و الا از روی بمیزی صبیح اخذ مالیات شود مالیات هم مصاعف خواهد شد شاید رفته رفته کارها اصلاح و انشاء الله بمقصد برسم و در بودجه هم دو قهره مخارج منظور شود یکی مصارف تیر اندازی که اقله هفته یکمرتبه سرباز را به تیر اندازی وادار نمایند که بخوبی نشانه را بتوانند زد و کارخانه فشنگ سازی طهران را

تفنگهای بی فشنگ ماطل خواهد بود و دیگر مخارج يك عده شاگرد که برای تحصیل علوم به فرنگستان فرستاده شود تا مدت پانزده سال که بعد از این مدت انشاء الله يك عده شاگرد فارغ التحصیل داشته باشیم و مستغنی از معلمین خارجه شویم و فعلاً هم توجه مخصوص در معارف لازم است زیرا که قریب پنجاه هزار تومان موجب به معلمین فرنگی در طهران برای مدرسه دارالتنون داده میشود اقله از استاده هم از آنها بتدریج تحصیل مقدماتی شده باشد

(حاج نضر الملک)

واقعات عباسی

بعد از مطالبی که در قهره نایب الحکومه درمیل قبل عرض شده تاریخ ۲۷ دیحجه اعتضاد السلطان پیش کار بنادر از بوشهر وارد عباسی شد و اتفاق ایشان آقا سید حسن حسام الساده که در قبل کار گذار لنگه بود برای کارگذاری آمد و مشغول امور کارگذاری شد قبل از ورود مصباح دیوان نایب الحکومه چنین توهم نموده بود که گویا سوء قصدی درباره آن دارند عمارت حکومتی را تخریب نموده در خانه خود داخل شهر منزل نموده ۱۵ نفر تفنگچی که موجب از خود می داد نیز با خود نگاه داشت ، بررود اعتضاد السلطان امر نمود که تفنگچی برود مصباح دیوان را بیاورد تقریباً (۲۰) نفر تفنگچی جهت احضار مصباح دیوان رفتند ، مشارالیه هم از آمدن امتناع نموده در خانه خود متحصن شد ، بازم تفنگچی بر عده سابق از روده و خانه را محاصره نموده اطهار بردن توپ و کوبیدن خانه را نمودند مصلحت این مطلب را که مشاهده نمودند دیدند عاقبت و خیمی دارد خصوص حائیکه منور انگلیسی هم حاضر و قریب ۵۰۰ نفر افغان نیز در عباسی بودند که ممکن بود باهم اختلاف مذهبی اسباب اغتشاش شوند ، مطالب را بجناب شریعتمدار آقا شیخ علی عرض نموده جناب معظم اید محض حفظ سرحد وطن و اصلاح بین اقدام نموده تا اینکه اطمینان کامل از اعتضاد السلطان گرفته فرستاد تفنگچی از دور خانه مصباح دیوان بلند نمود ، مصباح دیوان نیز بعد رفتن تفنگچی در خدمت جناب شیخ علی حاضر شده دو یوم هم مذاکره نمودند و بعد

تنگر افتاه متحصن شده اند در حقیقت این مواد جناب آقا شیخ علی خدمت بزرگ باین سرخدمه ملت و دولت نمود که اگر اقدامات خیر خواهانه ایشان نبود احتمال وقوع اغتشاش و بهانه اجاب بود، مصباح دیوان کنوت در تلگرافخانه متحصن و مخبره تلگرافی بتوسط متبصر السلطه رئیس تلگرافخانه بوشهر با جناب دریایی دارد که شاید قرار دهد مجدد خودش نایب الحکومه باشد تا چه پیش آید هر حال فعلاً مصباح دیوان با ۱۰ نفر تنگچی توکرهای خودش در تلگراف خانه متحصن و مخبره با بوشهر دارد

بموجب خطی که از جاشک نوشته اند دولت انگلیس یکصد نفر بر عده سربازی که در جاشک داشته افزوده که کنون ۱۵۰ نفر می باشند توپ و آلات و اسباب حربیه نیز زیاد نموده اطراف عمارت خود سنگر بندی محکم و توپ نصب نموده است تلگراف بیسیم نیز محض مخارات با منورهائی که در خلیج فارس می باشند در جاشک برقرار داشته است نه اظهار خودش خوف از افغانی می باشد که امروز ما در مسقط و نواحی بلوچستان می باشند، و هر ساله محض ورن تنگ بخاک افغانستان بآن اطراف می آید و اسلحه کلی می برد، دولت انگلیس مانع و دو قمره تنگ که از مسقط حمل نموده اند گرفته است و کنون باین امم اظهار خوف نموده استمداد در جاشک زیاد می نماید.

مکتوب با امضاء

وضع تمام ممالک ایران الحمد لله منظم و اسباب راحت و نظم و وسعت تجارت یوماً فیوماً زیاد دارد بر عکس بندر عباس حقیر و جشیدیان بندر عباس مبلغ ۱۳ هزار تومان طلب از میر احمد شاه کلانتر شمیلی داریم بموجب اسناد صحیح مقید بامضای خود میر احمد شاه و تمام تجار بندر عباس و امضای مجتهد و در ضمن هم املاک رهن داده است دو سه از موعد این می گذرد مشارالیه عباسی نمی آید که دریافت طلب خود نایم و از عباسی از طرف حکومت اقدامی نمیشود دیگر چگونه میتوان که تجارت و کاسبی کرد، تا آنکه یک ماه قبل رعایای شمیلی از ظلم و ستوه میر احمد شاه عارض به حکومت عباسی که مصباح دیوان اوزی بود شد

که ماها رعیت یکطرف غارت زده سارقین طرف دیگر مصارف و مخارج ملت و دولت تمام شدیم این میر احمد شاه را دیگر کلانتر بر ما نماید که نوق، افت ما است، زیرا که در زمان قلیل کلانتری این مرد به عداوت و خصومت سال گذشته که رعایا بناه به قونسل خانه انگلیس آوردند و بعضی بناه بحانه جناب آقا شیخ علی مجتهد و او را از کلانتری عزل نمودند امساله مبالغ کذاب به نایب الحکومه عباسی و یک مبلغی تعارف به امین اتجار و سید شمش الدین اوزی داده که توسط نموده او را کلانتر نمودند به مجرد کلانتری بای عداوت دیرینه و ناس فرام آورد نمی توانست بگوید چرا این صدمات به شما می زخم علت عداوت سابقه میباشد که مرا از کلانتری عزل نمودید ظاهراً بهانه این بود که شماها در انقلاب مشروطه و استبداد طرف ملت بودید و بدین نتوان مبالغ کذاب حرم و حریمه و غارت کرده بسیاری خانه هارا از بیخ و بن چایید، کرد آنچه باید نکند که قلم از تحریرش شرم می آید، بچاره رعایا فرار کرده بعضی به شارجه و دوی و بحرین رفته و برخی آمده عباسی خدمت جناب شیخ علی بناه نموده شده و این حرکت سبب گردید که به مصباح نوشت که رعایا یابی شده توپ سرماز تنگچی فرست، مصباح دیوان هم یک مراده توپ با (۱۰۰) نفر تنگچی سرماز برداشت و یک نفر از جانب تجار که جناب میرزا خلیل کنکاش است و تاجر معروف میباشد برداشت برد و یک نفر از جناب آقا شیخ علی مجتهد که همشیره زاده جناب شیخ است آقا شیخ عبدالحسین معروف موصوف با خود برد، وقتی رسیدند به شمیلات و رسیدگی شد دیدند خیر نه رعیت یابی است و به خبری از یابی گری دارند، تمام عرض نظم رعایا این است که ماها طاقت کلانتری میر احمد شاه نداریم، ماها را غارت میکند، تمام کرده است، با کمال اطاعت تمکین دولت و ملت داریم، مالیات تقدأ می برداریم، دست این ظالم از کلانتری کوتاه نمایند، مصباح و نماینده تجار قبول نموده او را عزل نمودند و هر قریه را به کدخدای همان قریه واگذار کرده مراجعت به بندر عباس نمودند، تمام تجار و اعیان و اشراف حق قونسل انگلیس این پیش آمد را تحسین نمودند که کار خوب گردید هم رعیت راحت هم مردم

آسوده و هم مالیت دیوانی بقاعده خودشات می بردازند بعد از مراجعت مصباح میر احمد شاه طاقت نیاورده شوق کلانتری بر سرش زده و بر عداوتش افزوده آمد عباسی درب خانه امین التجار که هر مبلغ بگوئید میدم و آنچه مصباح الدیوان هم میخواهد میدم مجدد کلانتری این قیة سال را برای من بگیرند و این يك مشت رعیت بدبخت را از مصباح الدیوان توسط شاهها و بدلالی شاهها به هر قیمت باشد بخرد تا کاری که باید سر آنها بیاورم آورده باشم، چونکه حضرات اقدامات در خریدن رعیت جبهه میر احمد شاه نمودند حقیر و جشیدیان اسناد خود مان را خدمت مصباح الدیوان ارائه دادیم که حالا چون خود میر احمد شاه آمده است در وصول طلب ماها اگر اقدام مینمائی تا عارض شویم و ۱۰ يك معمولی که مبلغ يك هزار و سیصد تومان باشد میدم بعد از دریافت قبول کرد و طلب ماها را مستمسک نموده او را گرفته حبس مکرد تا ۱۰ روز، میر احمد شاه چون دید این دفته باید وجه دهد فرستاد از شمیلات مطابق چهار هزار تومان وجه آورد و به میرشمش الدین اوزی و امین التجار سپرد اینها اقدام نموده سه هزار تومان جبهه مصباح الدیوان و هزار تومان جبهه اجزای مصباح و شبانه او را مرخص نمودند و مجدد خلعت کلانتری به بر قامت او راست آمد و بی اطلاع مردم و رعایا او را روانه شمیلات نمودند.

کجا است انصاف کجا است عدالت کجا است سروت اگر کلانتری میر احمد شاه جبهه رعایا خوب بود چرا او را معزول کرد، اگر بد بود چرا دوباره کلانتر نمود، قل کجا است، چه حکایت است مگر آیه کلام الله مازل شد مکه این میر احمد شاه هر روز یکی را بتعارف و بول با خود مع کند و توسط آن کند و کلانتر شود و این مشت رعیت حقیر غارت زده را جرم کند به چاید غارت نماید خوب بزند شکنجه کند، زمان استبداد این کارها می شد امروز که میگویند مشروطه است عدالت است عور رسی هست پس چرا باید این قسم ها شود، خلاصه بابت طلب ماها ۱۲ هزار تومان هیچ

کاری هم نکردند نقداً بمحضرت حکمران سردار پوشهر تلگراف نمودیم جواب رسید به این مضمون (بتوسط جشیدیان - مصباح الدیوان اگر میر احمد نیاوردی و ترضیه خاطر جشیدیان و حاجی شیخ احمد که داری بخواستی تمام طلب این دو نفر از شما خواهم گرفت و شما را معزول خواهم کرد) این تلگراف دادیم یکی اعتنا ننکرده که به وزارت جایداد داخله طهران هم عارض شدیم درین خصوص مجدد رعایا اطلاع بهم رسانیده ازینکه مصباح الدیوان آنها را بتوسط امین التجار و سید شمس الدین اوزی فروخته است به میر احمد شاه و کلانتر کرده است در چهار هزار تومان تعارف که هم رعایا را غارت کند و هم طلب ماها تعویق افتد، تمام رعایا ازین خبر باز دارند فرار می نمایند و بعضی ها عباسی آمده اند نقداً جناب شیخ علی مجتهد ازین حرکت بیقاعدہ مصباح تلگرافاً عزل میر احمد شاه و مصباح از حضرت سردار خواسته است امید است حضرت سردار اسباب آسودگی و رفاہ اعالی و رعایا را فراهم آرند. این اوقات حساب تجارت و زندگی در بندر عباس گذشت زیرا که تا کنون نشده طلب کاری عارض شود دیگری بیاید توسط کند که شاه چهار هزار تومان بگیرد جبهه خود و او را مرخص نمایند و خلعت دهند و کلانتر نمایند، انصاف کجا است سروت کجا است اگر عدالت باشد این مبلغ چهار هزار تومان که میر احمد شاه گرفته است باید از مصباح پس گرفت و بطلب کار میر احمد شاه داد عدالت این است با این وضع بطور میشود زندگی کرد و تجارت کرد تمام نقاط ایران مملو از عدل و خلی از استبداد شد سوای بندر عباس که اولین سرحد و بندر ایران است چرا این قسم باشد شخص تاجر شکایت می نماید مقصر را حکومت میگیرد و او را نگاه می دارد حبس می نماید بعد مبلغ چهار هزار تومان گرفته بی اطلاع رها نموده و خلعت برده و مرخص می کند و کلانتر می کند، بی اعتنائی بمقوق علی تا این اندازه این است واقعات بندر عباس باید کور گورانه دست به چشم گرفت از راه رفت

مکتوب شیراز

ظهور امنیت بسیار دیوار شهر شیراز را نخل
 فرسیده ولی چون کم کم دارد شهرهای اطراف شیراز
 مانند کازرون و لار و غیره امنیت خود را از دست میدهد
 و طرق و شوارع هم امنیت کامله ندارد اندک اندک
 مایه اعلیٰ شهر عبور می شوند و همه روزه از
 عظمت حکومت بیگانه، بد از تلگرافات و مخبرات
 بسیار که تجار بوشهر و شیراز با صولت الدوله و
 طهران نموده صولت الدوله امنیت راه بوشهر را تا
 شیراز فته گرفته ولی نه از طریق کازرون، این
 است که قوافل به امنیت عبور و مرور دارند
 صولت الدوله شخصاً هم بشیراز آمده با ایاتهم کمال
 گرجوشی را داشته و آنچه شاید و باید در حقیقت
 تامنی راه و برخی واقعات غیر مترقبه بایالت
 خفایده است

صولت الدوله به تجار اظهار داشته بود که
 من نمیتوانم راهی که خارج از حکومت و اقتدارم
 هست زنده دار امنیت آن کردم و در این امر
 نمیتوان حق بطرف او نداد، راهی که تازه عبور
 و مرور قوافل می شود بخواه فرسخ است، و راه
 کازرون چهل و هشت فرسخ، این راه دو عیب
 دارد اول آنکه مانند راه کازرون آباد و کاروان
 سرا و جبار رو نیست، دوم اینکه بعضی رودخانه های
 بیل هست که ایام طغیان کار را بر عابرین سیل
 دشوار می باید، هرگاه تجار توجیهی نمایند و چندی
 عبور و مرور درین راه بشود رفع این نقائص هم
 تواند شد و عبور و مرور ازین راه سهل تر از
 راه کوه و کتلهای کازرون است و مظنون است
 هرگاه بنا شود راه شوسه یا آهن کشیده شود ازین
 طریق خواهند کشید

کم کم دارد نتایج فرایشات حضرت عالی بروز
 می نماید از یک خطای بلتیک سهام الدوله رشته انتظام
 و اگم کرده یعنی عاجز از نظم فارس گردیده ظاهر
 است که اگر یک شهر شیراز امن باشد امنیت تمام
 فارس را نیز ساقط مردم جزواً سهام الدوله را شخصاً
 حاکم و بازرش تصور کرده تمام از وی مرعوب
 بودند همین که بپایند او خواهند با سهام الدوله
 کار بکنند الا ایشالا ما یوس جده در حقیقت از عظمت
 او ایستاده ولی چون بدینا هجرت اصول بگردند که

ایالت به بلتیک باور ساخته است تا درجه امیدواری
 داشته ولی همیشه بدند واقعا ایالت میخواهد بدست
 او کار میکنند و قوت ایالت منحصر است بقوت
 نصرالدوله آن عظمت و هیبت سهام الدوله شکست چه
 قوت نصرالدوله را از ابتدا دانسته و خیالات او را
 هم از آغاز میدانستند بی (چه در بسته باشد چه
 داند کسی - که گوهر فروش است یا بیله ور) واقع
 اگر سهام الدوله با آن تنگ خالی خود استفاده بود
 ممکن بود همه را ترسانده و کار را از پیش به برد
 بالجله اینک زمزمه می شود که سهام الدوله منزول
 و فرما فرما یا دیگری بایالت فارس منصوب شده
 است اگرچه این خبر تا کنون سمت رسمیت پیدا
 نکرده ولی شهرتی بسزا یافته است و من از استماع
 این خبر خیلی ملول و متأسفم چه سهام الدوله پشتکار
 بسیار خوبی داشت و خیلی در اجرای قوانین
 مشروطیت سعی بود در فارس صورت ظاهری
 تمام ادوات را درست نمود و بدوا سهمی عظیم در
 قلوب هر طبقه انداخت. دو عیب در کار او پیدا شد
 یکی نداشتن قوه قاهره باندازه ضرورت و دیگر
 خطای بلتیک که در بروی کار آوردن نصرالدوله
 نمود و بقتیده بسیاری از منصفین اگر این خطای
 عظیم را نه نموده بود قطعاً جبران نقص اولیه که
 عدم قدرت بود میتوانست نمود، واقع این است
 سهام الدوله خطای سیاسی کرد چه بی القوام مردود
 سه ربع اهالی فارس و مطرود رسمی حضرات آیات الله
 هستند و جز مستبدین در تمام ایران حامی ندارند
 خواه مخواه متبوع و متاع شان قرار داد، مبین و
 مشو ممکن است، تکلیف فهم مردم نمیتوان نمود،
 آخر پول چه قدر مگر میتواند کار بکند، حقیقت
 را نهتن غیر ممکن، تمجید و تعریفی که از روی یک
 تبسم و صد و نجاه تومان اعانه بقرائت خانه باشد
 جز مضحکه ارباب عقول نتیجه دیگر نه بخشد
 چه قدر ما کم مدرك باشیم که اول و آخر سخنان
 خود را فهمیم، خنده دارتر این است بدیگراف
 تکلیف فهم نموده آواز یک هزار و بانصد قرانی
 باندازه قوی بستان می نماید که گویا در عقب خود
 هزار و بانصد توب کروب داریم که دیگران را
 تهدید نموده تکلیف به فهمی مینمایم، چه قدر کم
 یاد و موش باشیم که سخنان چند روز قبل خود را

فراموش کرده ضد آنها بگوایم ، بلکه اول و آخر کلام خود را هم نفهمیم ، چه قدر کم فهم باشیم که شتر گم کرده عقب انبارش بگردیم ، میخواهیم بفهمیم آیا حضور در بعضی ادارات خوش سید شهید سید احمد دشتکی را بامال نمود؟ آیا مراسم ایالت بنای خوش حجت الاسلام شهید رابع را حلال ساخت ، آیا صد و پنجاه تومان پنج سکرور غارت لار را شیر ما در ساخت؟ آیا نایب الایالتی حیران مراران بی ناموسی های لار و صدها زواری وسول و مسلمانان را که سر تا پایشان یک پارچه داغ شده نموده ، آیا مراسم بیکران حضرت وزارت داخله (بر فرض تسلیم) احکام مطاع حضرات آیات الله نجف اشرف و باطل و باطل خواهد گذارد ، آیا چند صد شتر از عرب و بهارلو (که بحکم خودمان چندین کرور مال کرمانیها را برده) پس گرفتن (آنهم بهوای ریاست آنها و خاکپاشی بچشم نکته سنجان) دلیل بر مشروطه خواهی و علامت خدمت بملت و دولت محسوب خواهیم داشت؟ کور باد آن فکری که حقیقت امور را نه فهمد ، کرباد آن گویی که این آوازها را قهقرا نداند ، هیات هیات ما ترمون ، چقدر ظاهر بین و شکم پرست هستیم که هنوز هم بی بحقیقت امور نه برده باشیم بقتیده بنده هر ایالتی که از خفای سیاسی سهام الدوله سبق نگیرد و همان مسلك را تعقیب نماید همین روزی را که اولاً دید بزودی خواهد دید ، یعنی هم بدنام خواهد شد و هم معزول خواهد گردید ، حالا که کار از کار گذشته عرض میکنم سهام الدوله مشروطه خواه و کارکن بود ولی بان اندازه که باید مربوط بکار های ایالتی فارس باشد نبود و ازین رو کاری هم از پیشش نرفت و بواسطه عدم ارتباط دو کار حسن ظاهر نصرالدوله او را فریفته کرد و عجب تر آنکه آنچه نصرالدوله میگفت نه تنها خود باور میکرد بلکه بدون تحقیق و تعینش بطهران مخبره می نمود چون موشگافان طهران از حقیقت امر واقف بودند مزید برسدی ایالت می گردید ، بهرحاله ن از عزل سهام الدوله بسی که تنگم بچند جهت یکی آنکه معلوم نیست دیگری در بجای ایشان آید دارای محسنات ایشان باشد دیگر آنکه تا آمدن ایالت جدید کارها چه رنگ اختیار

نماید ، چیزیکه از همه بیشتر مزه دار خواهد بود این است که ایالت فارس را به نصرالدوله واگذارند چه عرفا گفته اند

(سودا چنین خوش است که یکجا کند کسی)

حبل المتین

بموجب تلگراف که به بمبئی رسیده گویا دو شیراز بلوایشیم روی نموده و اگر این تلگراف مقرون بصواب باشد باید از اثر شامت کارهای نصرالدوله دانست که باسم حایه سهام الدوله نموده است . باز هم کلام خود مان را تجدید کرده اولیای دولت را متذکر می شویم که تا یک نفر از دودمان قوام در شیراز باشند امنیت فارس محال است محال است محال من جرب المجرب حلت به الندامه

اخبارات خارجه

§ (مستر هالدين) وزير جنگ انگلستان كه بدت مريض بود اکتوف رو بصحت و اجازة مشی یافته است

§ کیسیون فوق العاده بحری چین وارد (ایسن) شدند و کارخانه اسلحه سازی (کرپ) را دارند ملاحظه می کنند - در کلیه آلمان از آنها پذیرائی شایان شده - روزنامهجات آلمان امیدوارند که کارخانهجات آلمانی در فروختن اسلحه به دولت چین کامیاب خواهند گردید -

§ (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان در (ایدیبرا) شب گذشته ضمن نطق خود اظهار داشته که اینوقت تصور وقوع جنگ بین آلمان و انگلیس از موهومات بجنونانه است چه دولت آلمان دارد مسائل متنازع فیه را با کمال اتحاد حل می نماید هنگامیکه پروگرام بحری آلمان تکمیل می یابد . شهود خواهد شد که قوای بحری که قوی تر است و هماهوت رقابت این دولتین اختتام خواهد پذیرفت - و خواست حکومت اینست که قوای بحری را هاره منظم و مستحکم دارد

§ (مستر آستین جمبرلین) در (ولورهنن) ضمن نطق خود اظهار داشت که قوای بحری بحدی خراب شده که بمقابل قوای بحری آلمان می شود بر حکومت الزام وارد آورد

§ از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان در مجلس افتتاحی شورای ملی امروز اظهار شده که سوابق

تفاوتی بین یکی دو هفته در مجلس پیش خواهد شد. حالت مالیه رفته رفته رو بهبودی است ولی مصارف هم در تزايد است - در بودجه (۱۶۰۰۰۰۰) لیرا کمی دارد ولی به نسبت سنه ۱۹۰۹ کمتر است

§ تلگراف (لس) طاهر مبدار که از وجوه نقدیه گمرک، شخصی (کازینج) نام مشغول سرقت بود که ناگاه کسی بقتل رسانید - در ضمن تدارک این قاتل و مقتول سازش بلندی طاهر شده و اسلحه و اروت بسیاری بدست آمده - چندین نفر گرفتار و اغلب اعتراف مجرم نموده اند

§ از (مکدا) واقع وسط (افریقا) (مستر شینرو) قیمت ۸ نفر اروپائی چشمه پیدا کرده که در گوشه وادی تحت کوهها میباشد و رنگ آب آن گلابی و روی آن آب نمک (سودا) جمع شده - این چشمه دارای ۲۰ مربع میل است § در جواب خط باسالی دولتین روس و انگلیس از حرکت بجای حکومت (کریت) متناسب شده و بالاتفاق در تدارک اند که بار دیگر جنس حرکت وشتی از حکومت (کریت) سر نزند - از قبیل فرستادن نواب در (آن) وعیره

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که ترتیب کابینه وزرا شد - محمود شقت پاشا وزیر جنگ و رفت پاشا بعهده وزارت داخله برقرار شدند

§ خدیو مصر وارد مدینه - اعلیحضرت سلطان معظم الیه را تلگراف تبریک داده - در جواب فرمانبرداری سلطان را طاهر کرده اند - دبیر روزنامه (طمس) می نویسد که زیارت خدیو در بیت الله از بوا در است چه معظم الیه اول خدیوی است که بعد از جد خود محمد علی بمکه رفته

§ مخبر (روتر) از (عدن) خبر میدهد که ۳۰ نفر از جواسیس (لا) یکی از قبائل متحده با انگلیس حمله آورده - ۲۰ نفر از مرد و زن و طفل را هلاک و (۵۰۰) شتر به نهب و غارت برده اند § (لارد کروی) مبول نموده (۱۰۰۰۰) لیرا سالانه الی سال به انجمن کاشتکاران بنابه انگلیسی بدهد - انجمن با کمال تشکر منلور داشته است

§ (لارد کروی) اعلان داده که حکومت بر دادن امداد به انجمن کاشتکاران برای چند سال خود می کند

§ (کپتان کوردو) بحکومت (اوگنده) و (کرنل سیرمیننگ) برعهده کپسری (سومالی لند) منصوب گردیدند

§ مخبر (روتر) از (برلن) خبر میدهد که دولت (آلمان) بر تحریک (مستر ناکس) درباره راه آهن (منچوریا) در جواب با روس تطبیق نموده - افسران حکومت (برلن) را خیال ایست که انفصال این مسئله چندی تأخیر خواهد شد

§ محمود شقت پاشا اولس اسر جنگی خواه ماند وضع کابینه جدید عثمانی نازک معلوم میشود ارا نظام کینه اتحاد و ترقی اغلب از اسمران فوجی خوش بستند و مسلکشان مخالف با آرای مدران مملکت است § کپسیون محری چین از (برلن) بحباب (پترسبرگ) رهسپار (برلن) ایگ چک) مشافهتاً اظهار داشت که دستجات جهازات جنگی دولت چین نه برای ملک گیری است بلکه برای قیام صلح و امنیت در مشرق اقصی میباشد - و هر قوم را لازم است که جهت ترقی ما امداد نماید - دولت چین در خیال تعمیر (دریدانات) بست ولی دستجات خود را قوت خواهد داد بذریعه جهازات موشک

§ تلگرافی از (اتوا) رسیده که (سرلارین) دیروز مسوده قانون صیانت مدکی پیش کرده که تدارک یک فوج دائمی - یک فوج امدادی و یک دسته دو طلب - و تخمیناً تعمیر ه جهازات کروزار و ۶ موشک شکی باید دیده شود - در سنه ۱۹۱۰ - مایون دالر مصارف خواهد شد و وقت ضرورت این دسته جهازات جنگی به کمک شاهنشاهی فرستاده خواهد شد در توضیح همی لفظ (ضرورت) (سرلارین) تعریف نمود « وقوع جنگ »

§ (سرمیننگ) به مأموریت خود رهسپار (برو) گردید

§ سفیر دولت عثمانی مقیم (روم و پاریس) تلگرافاً اطلاع نموده که وزرای دولتین مرپورتن درباره مسئله کریت جواب زمانی داده و مطابق اجوبه دولتین روس و انگلیس است

§ در (مدرید) شورش سختی بن قشون برپا شده - چیه بعضی را در جنگ (بیلیلا) ترقی فوق العاده داده شده و خدمت ملاحظه قدامت نموده است

§ انتخاب مجلس ملی امروز شروع شده
 § رئیس جمهور امریکا به مجلس ملی امریکا حکم داد که موازی یکصد میلیون دلار صرف خرابی راه و نهر سازی باید نمود
 § فردا انتخابات مجلس ملی انگلستان شروع خواهد شد
 § (ارل آف دربی) یکهزار لیرا به انجمن کاشکاری بنیة انگلیسی عطا نموده
 § دو صد نفر از مالکات کارخانه ریمان باقی بر یک برونتی دستخط کرده اند که عذر داشتند بر اینکه (مستر ماکارا) از طرف آنها حتی ندارد که در گنگوی بلنیک وکالات نماید
 § وقایع نگار حریده (طمس) از (پاریس) می نویسد که در کامراس تجارت اسلحه فقط از تجارت اسلحه (ارما) بحث شده چه قبل از این در فراسه و انگلیس بر این مسئله اتفاق رای بوده ، این مسئله مشکلی که دارد این است که تجار فراسه در مسقط و خلیج فارس تجارت اسلحه میکنند ، آنها بر این مسئله قوت داده اند که تا وقتیکه دولت انگلیس رعایتی خاص قبول نکند فراسه نباید این تجویز را قبول نماید
 § تلگرافی از (پترسبرگ) رسیده که والدہ اعلی حضرت امپراطور روس به مرض مهلك دچار است ، دو کوزه های نامی بمشوره علاج میکنند
 § در (برلن) بجهت اصلاح انتخابات (پروسیا) امروز عصر ۶۲ مجلس شد
 § تلگراف اسلامبول ظاهراً میدارد که (قصرچراغان) که مجلس ملی در آنجا منعقد میشد محترق گردیده و تمام سوخته و منهدم شده
 § نقصان حریق (قصرچراغان) راجع بملت است قصر مذکور ذی قیمت و دارای اشیاء نفیسه بوده است
 § مخبر [ووتر] از [توکیو] خبر میدهد که افتتاح مجلس ملی ژاپون شد [کاونت کاتسوره] دوازمین طاق خود اظهار داشت که با دول متعاهده اتحاد برقرار خاصه اتحاد با دولت انگلیس در ازدیاد است ، با دولت چین مسائل متنازعه طی یافته و یقین دارد خارجه بر تصنیف دولت ژاپون در [منچوریا] که دول رضایت ظاهراً نموده اند ، کاونت مزبور تعرفه جدید گمرکات را اعلان داد که بموجب آت گمرک بنیة تخفیف داده شده است

§ ستاره دنباله دار در وسط خنجر [جوشن] بنظر آمده و سپس در [کامیونج و جبرالتر] نیز دیده شد
 § دولت روس بر تحریک دولت امریکا در باب راه آهن [منچوریا] جواب داد که وی تحریک مذکور را منظور ندارد چه موثرت شماره دولت و ملت است ، و دولت ژاپون نیز قبول نکرده زیرا که دولت ژاپون را بیچوجه قاید از آن حاصل نیست و ژاپون فعلاً دست اندازی بر تجارت عمومی نخواهد کرد
 § مخبر [ووتر] از [پکن] خبر میدهد که دولت چین قبول نموده وجه تعمیر راه آهن [ایگن] را بانک امریکا بدهد و امتیاز تعمیر آت را به [پواتک کپان] لندن داده شود ولی رسماً چنین خبری نرسیده
 § کیسیون مخصوصی از [بازیک] برای تدارک مرض التوم بسمت [کونگو] رهسپار گردید
 § در عدالت عسکری [ووسکرینسکی] قاتل [کرل کارپوف] محکوم به اعدام شد
 § تلگرافی از [پاریس] رسیده ظاهراً میدارد که طرق و شوارع از طغیانی دریای [سین] غرقاب شده ، باشندگان [کوئی آیل] سوار کشتی ها شده فرار نموده اند ، در رودخانه های [دهون] ، مارنی و اوب لوثر و میسوس [نیز طغیانی شده و اراضی اطراف خود را غرقاب کرده
 § در بسیاری از شهرهای اروپا زلزله شده است خاصه در [کاروف - پاریس و آئیس لند] مظنون است که مرکز این زلزله یا کوه قاف است یا آرمینیا
 § روزنامه [طمس] متاسفانه می نویسد که در چنین وقت نازگی که دول اروپا متفق الرای نیستند دولت چین حکم تعمیر راه آهن [چنچون - ایگون] را داده ، از این رو ممکن است مزید نا اتفاق دول شود
 § در [بخارا] بین فریقین شیعه و سنی فساد شده و [۷۰۰] نفر از طرفین بقتل رسیده اند
 ▶ اعلان وکالت حبل المتین در فارس ▶
 از راه معارف خواهم جناب آقا میر سید آقا از اعضای محترم استعفاة شیراز زجت وکالت اداره را ذمه گرفته مارا رهین تشکر ساخته این

(قیمت اشتراك)
 (ساله — شش ماهه)
 (هند و برمه)
 (۱۲ روپه — ۷ روپه)
 (ايران و افغانستان)
 (۴۰ قران — ۲۰ قران)
 (عمانی و مصر)
 (مجیدی — ۳ مجیدی)
 (اروپا و چین)
 ۳۰ فرنك — ۱۶ فرنك

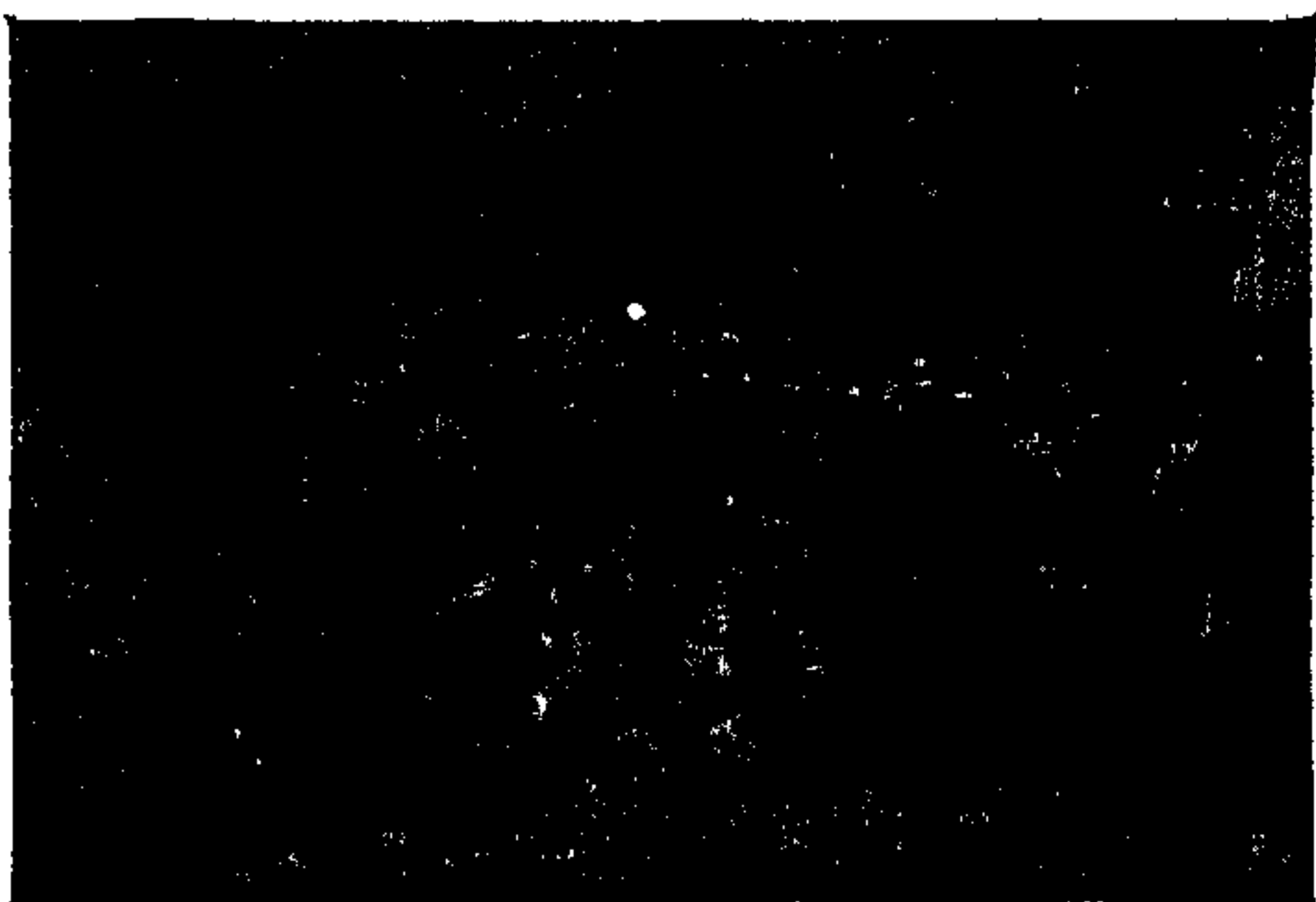
« وگلا حق الخذ ابرو بهتون قيس ندارند و تاروق که »
 (مملکتين و با قيس و اصول سال مقدمه است نه شد)
 (نامه شان بهي شناخته ميشود)

▶ نامه مقدسه ◀

المبتليک

▶ سنة ۱۳۱۱ ◀

(کلچ لئفريت نبر)
 RAHUL MATIN OFFICE
 I, MEDICAL COLLEGE
 CALCUTTA.
 (مکتبه امور اداره يا)
 (بر کل مؤيد الاسلام امت)
 (هر دوشنبه طبع)
 (و سه شنبه توزيع ميشود)
 (يوم دوشنبه)
 صفر المظفر ۱۳۲۸ هجری



(اتحاد روسيان با رحيم خان در قراچه داغ و دستور العمل دادن)
 (آنها برای هجوم به اردبيل و بهانه يافتن شان در ورود قشون)



(ابراز محبت روسيان در اردبيل با رحيم خان و دست اتحاد)
 (دادن باو و انگلهار ممنونيت نمودن از وي که بهانه)
 (ورود قشون آنها گردیده است)

ایران مال اریان است
ایرانیان راست که ظلم نکنند، گردن بزیر بار
بجای خودی و بیگانه نهند، از روی جهالت
مرعوب نگردند، چنانرا نزاکت بینالمللی نام نهند،
شرف را در زیربستی خارجه ندانند، حفظ استقلال
خویش را در اطاعت اجاب نه بندارند و بدانند که
ایران از آن اریان است

ما میگویم که نزاکت بینالمللی را ترك گویند،
نمیخواهیم که اریان پای از جاده اعتدال بیرون
گذارند و سلم جوئی را ترك گویند، ما میگویم که
طامه و عاقلانه و سیاسیانه و مقولاه حافظ حقوق
خود باشند، ما میگویم در عالم پلنیک رحم و مروت
نیست، دوستی و محبت نیست، راستگوئی و درستکاری
نیست، ما میگویم در شرع پلنیک اعتماد باجانب حرام،
و در عرف سیاسیون اطمینان بهسایگان چشم بونی
از استقلال است

ما میگویم وزرای ایران، وکلای ایران، فرد
فرد ملت اریانیه بدانند که درین عالم دولی هم از
ایران بی قدرت تر و محالکی از اریانهم کوچک تر
و بی چیز تر هستند که دول های مقتدر محاط بر آن
میباشند و باکال امنیت حافظ استقلال خویشند، علت
خراب ایران از دو نکته است. اول مرعوبیت بجا
سکه زائیده شده بی خبری است. دوم عدم اتحاد
حقیقی آحاد ملت که آنها ناشی از جهالت است.

بارها گفته و باز هم میگویم مرعوبیت اریان
بجا و بی موقع است، بر فرض تسلیم (که ما با آن
اطلاعات واسعه خود هرگز تسلیم نمی داریم) که ایران
امروز قوه مدافعه با همسایگان خود ندارد ولی
موقع سیاسی و اقتصادی ایران بقدری اهم است که
اگر اریانان موقع شناس باشند هیچ يك از
همسایگان قوی بجهت شائبه تصرف دست و قوت
بازو نمیتواند بر آنها غلبه جوید، واضح تر گویم
چنانچه مکرر گفته ایم، اریانان هرگاه حسن
استقلال ملی داشته باشند و در حقوق مشروعه
خود پای بنشارند احدی تجاوز بحقوق آنها نتواند
کرد چه در قبضه استعلاکی يك کتب از خاک ایران
دریای خون در اروپا جاری تواند شد، ما اریانان
از عوالم سیاست بی خبر و از وضع رقابت امروزی
دول در ایران بی اطلاعیم، ازین است که طامه و
طامه در جلو اجاققت همسایگان سر فرود آورده
تسلیم می شویم می بینیم که همسایگان بدون حق و
ضرورت ازین مرعوبیت بجهت پای ما دارند استفاده
می نمایند، از مرعوبیت بجهت ماست که همسایگان

بدون ضرورت و بوجه قانون قانون در بندند
ایران وارود نموده و با روشهای فزادست و حلی
دست بدست یکدیگر مادی ملی بدهد که پناه قانون
برای قیام قشون خود بیست آرند

ایرانیان باید بدانند که از رقابت دول وقتی
میتوانند بانه بکسل کنند و استقلال خودشان را
درین حینت رفتی (تاریخی) که استقلال طیبی حاصل
نموده، حفظ نمایند که مرعوبیت را کنار نهاده حسن
می خود را بیدار جلوه دهند، از مقبلان پلنیک بدین
اختلاف چنین قنوی صادر شده و قومی که مرعوب
شده و حسن ملیشان مرده باشد لایق تشریف
استقلال نمیباشند، یعنی (قومی که در راه استقلال
وطن از جن و مال دریغ نماید سزاوار آزادی
نیست)، اریانان راست که از فرمایشات حکمای
دانشمند خود بهره حاصل نموده بدانند که مقصود
ازین کلام چیست

(عروس ملك كسى تنگ در پهل گیرد)
(سکه بوسه بر لب ششیر آبدار زند)

یکی از فلاسفه میگوید « استقلال دروغی است
سکه ماراوتش باید بخون ملت باشد » دیگری
میزراید « بنای استقلال مل جز با مادگی دائمی ملت
در جان بازی میسر نگردد »

برای انباء اریانان دو وقته تاریخی که هنوز
کهنه نشده کافی تصور تواند شد، اول ورود سفرای
فوق العاده شاهنشاهی کوریا در (هیگ) حین انعقاد مجلس
صلح عمومی که آن مجلس عالی ابا و امتناع از قبول
استماع عرایضشان نمود، عاقبت در برخی مجالس غیر
رسمی بعضی نمایندگان مجلس صلح عمومی در جواب
تظلماتشان اظهار داشتند « اگر در جمیع کوریا
هزار نفر مانند شما دارای حسن بیدار و خواستگار
استقلال دیده می شد که آزادی استقلال وطن خویش
را از جان خود محبوب تر دارد هر آینه بر ذمه
مجلس صلح عمومی بلکه جمیع همدردان عالم انسانیت
بود که کلمات آنها را اصضاء نموده همدردی خود را
با آنها ابراز دهند »

دیگر اینکه در مجلس اتحادیه پارلمانی ملل که
سال گذشته در برلن بود و جوی از وکلای مهاجر
بدان جا رسیده خواستند اظهار نظری نمایند قبول
نشدند و جوابیکه بعضی از مواداران حریت با آنها دادند
طرا شرم می آمد اظهار دهم اینک که شرکت پارلمان
ایران در آن مجلس عالی حین وقوع است بنویسیم
و آن این بود « تنها از طرفی ملتی وکالت در شرکت
پارلمان داشتید که حسن آزادیشان بیدار نبود، نه

حقوق ملی شناخته نه در حدود حفظ آن بودند ،
 و نه مملکتی بدین وسعت و مینجان که طالبان و
 منتظر نتایج حقوق خواهانه نموده بود چهار ثوب
 فراموش نمی نمود و ازین رو نمیتوان تصدیق کرد
 که ایرانیان هنوز مستوجب همدردی حقوق طلبان
 باشند ، اینک بسکه در راه حقوق خود از جان
 شیرین دریغ نموده و جان داده حقوق خویش را
 حاصل نمودند پارلمان ابرار در دایره اتحاد خود
 در آوردند ، این دو وقفه حسی برای تبه و بیداری
 جن ملی ایرانیان کافی تصور می شود

ایرانیان بدانند که آزادی و استقلال گوهی
 است گران بها و هماره دزدان داخلی و خارجی در
 رسد و بودن آن بوده و خواهند بود ، و حافظ این
 گوهر هانا بیداری حس ملی و ایقان دزدان خارجی
 و داخلی است بر اینکه حارسین آن در طریق حفظ گوهر
 آزادی از بدل جان شیرین دریغ نمی نمایند ، استقلال
 و آزادی ملی گوهریست که افراد ملت (حتی بر کار
 کنان و عملجات خود هم نباید اعتماد کرد و نودوماده
 ذمه و خارجه باشد) باید بدانند که آن گوهر را
 زندان خارجی و داخلی بدسایس الحیل از میان
 خواهند ربود ، هیچ ثبوتی برای این امر بهتر از مناقشه
 پارلمان انگلیسی با مجلس اعیان لندن نباشد ، پارلمان
 انگلیس قدیم ترین پارلمانهای اروپا و آزادی و حریت
 در فرد فرد امالی انگلستان از لارد و غیر لارد
 هیر و ضریب در حکم طبیعت ثانوی شده ، مذاکات
 مجلس اعیان مصمم گردید که غصب نباید بزرگترین
 حقوق پارلمان که حقوق ملی است و گویا مستعد
 گردید که تصرف بسیار عظیم در قانون اساسی
 انگلستان نماید ، چه باجماع ملل و پارلمانهای عالم انعقاد
 پارلمان برای ترتیب بودجه و در جمیع پارلمانها حق
 در دوامی روسی که نیم پارلمانش میخوانند نظارت
 مالیه مملکت و بودجه سلطنت را داراست ، این بود
 که بیدار حسان انگلیس زیر بار این تصرف غاصبان
 مجلس اعیان زرقه از نو بنای گرفتن رأی عمومی
 نگذارده تا اینکه بمحکب آرزو سوار و بید نیست
 مجلس اعیان انگلستان را مهمل یا وجود محطی قرار
 دهند ، آنچه به تحقیق مینویسند متجاوز از سه میلیون
 لیرا در گرفتن آراء عمومی طرفین خرج نموده و
 حقوق انقلاب عظیم در انگلستان میرفت ، از اینرو
 تشدات استقراضی داخله انگلستان رو به منزل نهاد
 فرض این است در مملکتی مانند انگلستان که
 از چندین قرن گذشته پارلمان بوده و طبایع بزرگ
 و کوچک به آزادی و مساوات و حریت نامه خو

گرفته هنوز فرزندان حریت موجود و غاصبان حقوق
 ملی که عبارت از حقوق پارلمان باشد حاضر اند و
 نمی گردند که تصرف در قانون اساسی انگلستان
 نمایند ، مسلم است هرگاه حارسین حقوق ملی باین جدیت
 نایستاده بودند و رضا میدادند در تصرف قانون
 اساسی رفته رفته این تصرف بالا گرفته و کار بجای
 بسیار نازک میکشید ، چنانچه مکرر در سایر بلاد
 اروپا احاق اقتضای چندین جمهوریت سلطنت و
 مشروطیت مائل باستبداد گردیده این است که ناخین
 بزرگ ما فرموده ما

سر دجله باید گرفتن به پیل
 چه برگشت نتوان گذشتن به پیل

هرگاه ملت بیدار انگلستان سکوت نموده و تن
 زیر بار این اجحاف غاصبان میدادند و متوقع میشدند
 که سایر ملل نوع خواه حریت طلب عالم آنها را
 ازین ورطه نجات دهند توفی بجا بود ، ولی اینکه
 که خودشان در صدد حفظ حقوق خویش برآمده و
 مردانه کوشیدند هرگاه انقلاب پیش می آمد و صدمه
 بمشقوق حریت خواهان وارد میکردید جمیع عوالم
 حریت بصدا آمده اقدامات همدردی خود را می نمودند
 همین قسم است معاملات یک دولت و ملت بادشمنان
 خارجی و غاصبین اجنبی ، محال است تا اتحاد و افراد
 آن ملت بصدا نیامده و باندازه خود مدافعه از
 حقوق خویش نه نمایند همدردان اجنبی با آنان
 همراهی و یا اظهار همدردی کنند ، آری (کس
 نخورد پشت من جز ناخن انگشت من)

ایرانیان بدانند که محافظه گوهر شب چراغ
 آزادی ام از دزدان خارجی و داخلی با خودشان
 است و هرگز تصور نکنند که اگر آنان در حفظ
 حقوق خود مردانه نایستند و جانانه بجان بازی مستعد
 نگردند همدردان اجنبی بحفظ حقوق ایشان قدمی
 بردارند ، البته مثل معرفه فدرا فراموش نه نموده اید
 (کور باشد چشمی که پیش از صاحب عزرا بگرید)
 پیش آمد دو ساله ایران و محسن بشارتهای خارجه
 و بست نشستن به اماکن متبرکه و امیدواری بدول
 اجنبیه باندازه خردلی فائده نه بخشید ، ولی وقتیکه
 تبریزیان غیور ایستاده و بختباریان و گیلانیان برخاسته
 و بالاصاله بنای مدافعه حقوق وطن نهادند در جمیع
 کوره ارض همدرد و هم آواز یافته هم غاصبین داخلی
 خود را بجای خویش نشانید و هم دشمنان خارجی
 خویش را مجبور بسکوت و سموت ساختند ، یعنی
 همینکه ایرانیان فعالیت نمودند همدردان آنها در خارجه
 نیز باظهار همدردی قیام کرده دشمنان خارجی آنها

دانستند که اگر زیاده بر این مجبور بقتول نلیه
ایرانیان نمایند سیاست ایران ولی دیگر اختیار کرده
افق پلتیک آسیا را تغییرات عظیم پیش آمده وضع وضع
دیگر خواهد شد ، این بود روس با آنکه مؤسس
جبهه انقلابات ایران بود ، بظاهر طرف اختیار کرده
دو جلوی گیری از اقدامات ایرانیان رنگ دیگر ریخت
وسلک دیگر گردید .

باز تجدید مطلع نموده سخنان دو نفر از
سیاسیون بزرگ را که در ماده ایرانیان فرموده اند
خطر نشان انبای وطن عزیز خود می نمایم ، اولی
که از سیاسیون انگلیس است میگوید « ایران را
هنوز عقبه های بزرگ در پیش و سلامت گذشتن از آن
عقبات بسته به پیداری حس ایرانیان است ، سلامت ایران
در آن است که ایرانیان بیای خود ایستاده رکون
بخارج نمانند ، استقلال هر ملت که بجهت دیگران
حاصل آید پایه اش بر اضحلال است » دیگری که
از سیاسیون فرانسه است در خطی که یکی از دوستان
ایران خود نوشته چنین میگوید « محدودی حریت
خواهان خارج بایران حکم سایه را دارد در محبت
آنها ، درست است که این همراهی هیچگاه از آنها
منتفک نخواهد شد ولی بالا ساله هم کاری نتواند کرد
و توفیق که ایرانیان شخصاً حرکت نه نمایند سایه
در عقب آنها نخواهد دوید ، لفظ مروت و
دوستی در لغت سیاسیون نیامده ، سیاسیون قدسی
بر نمیدارند جز به منافع خویش ، سخنی نمیگویند
جز در نفع خود ، اطمینان به مسایگان در معاملات
ملکی بزرگترین خطای سیاسی است اعتماد بدوستی
سیاسیون کنندن جاه های پلتیکی در جلو خویش است
تمام موضوعات پلتیکی غنی و احتمالی است که بر آن
لیاس ایقان پوشانده مثل اینکه جلوی گیری از امور
حتی الوقوع نمایند ، به تدافعات می پردازند »

سلک مسایگان ما در ابراهن خاصه روس
باندازه آشکار است که محتاج به بیان نیست ، مجلس
ملی ما را روسها خراب کردند ، محمد علی را روسها
بر انگیزتند ، آقدر خون ریزی و انقلابات و آنچه
خساره مالی و جانی را روسها در ایران سبب گردیده تا
به بهانه های بی معنی بدون هیچگونه ضرورت قشون
در آذربایجان و قزین و خراسان وارد نموده
همه گونه مداخلتهای بیجا کرده و قشون هم همه
قسم و حتی گری در ایران کردند و تا آخرین نقطه
همراهی را با محمد علی کرده عاقبت هم او را در حجر
و بنای خود نگاه داشت و آف خسارات مالی را
برای ابراهن چه در جواهرات و چه در مواد
دیگر و ایرانیان وارد آوردند ، چون با این همه

اقدامات باز بمقصود خود لامل نگردید و رحم خان
شروع قطع الطریق معروف را بر انگیزتند و سید
انقلاب آذربایجان و وقته اردبیل گردیدند و خلا
ایام بذریعه نصرالدوله اکتت خویش همه بر قوسل
خود در خان زنیات فراهم آورده که هم بهانه
بدست همایه جنوی که مساعد با اوست بدهد و هم
بتواند در شمال برده بروی حرکت تاجاثر خود بکشد ،

سازش روسها با رحیم خان باندازه بی برده گردیده
که ادا مقام برده پوشی باقی مانده عکسهای عدیده
نمایندگان و افسرهای روسی که در کلیه جرائد عالم
انتشار یافته برده از روی خیالات روس بر میدارد
و همراهیهای روس با رحیم خان تا دم آخر بر طالبان
آشکار داشت که مانند محمد علی محرك تمام حرکت
او و وسیان بوده و جایی عنبر برای دولت روس
باقی نگذارد ، دولت روس ازین و بعد نمیتواند
اظهار خیرخواهی و دوستی با ایران نماید و ایرانیان
ازین و بعد نمیتوانند شك بر چشمان خود پاشیده
دولت روس را به نظر دوستی بنگرند اگر چه خیالات
روس را مکرر تخریج نموده بازم درین موقع
تجدید می نمایم

خیالات روسیان

دولت روس از بعد امضای عهدنامه با انگلیس
در ماده ایران بخیال خود که رقابت رقیب صدساله اثر
در شمالی ایران مرتفع گردیده در سدد آن شد بلکه
بتواند وسوخ خویش را در منطقه که برای خود
در عهدنامه با انگلیس معین نموده زیاد نماید ، این
بود که بدوا با محمد علی ساخته و سکر در آنچه
کرد ، اگر چه محمد علی را بخاک سیاه نشاند و مطون
تاریخ دنیا ساخت ولی به دوستی وی مقتدر بر این
گردید که قشون خویش را در آذربایجان وارد نماید
(چنانچه وارد کرد) ولی در سایه وحشیگریهای افسران
و زیادتیهای سرمازات خود آنچه خواست مزید
بهانه بدست آورد ممکن نگردید ، تا اینکه رحیم خان
شوم را آله یشرفت اغراض فاسده خود قرارداد
قتله اردبیل و مزید فرستادن قشون خویش را بهانه
کرد و همینکه قشون دولت رفع این غلبه را نموده
رحیم خان و تابینش را در هم شکست باز مانند
محمد علی دست او را گرفته برخلاف قانون پیرالدولی
و منائی با اتحاد و دوستی و همایگی بهلوی ویش
نشاندند سعی است سکه دو سایه (و زبوری چنین
شهریادی چنان) ایران را هماره تهدید نموده و به
مرعوبیت ایرانیان بیزاید و بدو ذیل این مرعوبیت
اندک اندک مقاصد سیاسی خویش را از پیش به برد
(چنانچه بخیال خود ازین نیرنگ بازاها تاکنون
برده است)

روسها دارند دست درین سوراخ آت سوراخ
نموده شاید باز رحیم خان های نوعی بدست آورده
اسباب پیشرفت کار خود قرار دهند، روسها ساعیند
که در ایران خدام صادق وطن را خائن و خائین
را خادم صادق جلوه دهند، بی سبب نیست که
قوی زاده و امثال آن خائن و ارف والدوله و مانند او
خادم وطن می شوند.

مسلك انگلیسان

اما انگلیسان چون معاهد با روس میباشند ولوم
ظاهرا در تقسیمات جغرافیائی معاهده به غبن فاحش
بل افحش خویش قائلند و در صورتیهم که شبهه را
قوی داشته بگویم مائل بحركات روس میباشند بازهم
جلوگیری از روس را منافی صرفه خود و مسلك
دوستی با وی میدانند چه روسها در هر حرکتی که
بخواهند به نماید و منافی با میل انگلیسان باشد يك
نظر محبوباته بطرف آلمان نموده دوری انگلیس را سرد
و ساکن می نمایند و این سبب عمده است که نمیتوان
چشم داشت بانگلیسان در جلوگیری از روس داشت،
هر کس کاملاً از اوضاع ایران و پلتیک شمال و جنوب
آن واقف باشد تصدیق خواهد داشت که امروزه
دولت انگلیس در جنوب سیاسیانه و ملایانه سعی
است که از روسها در شمال عقب نیفتد

چاره ایران چیست ؟

چنانچه مکرر نوشته ایم ایرانیان راست است که از
بای نه نشینند و آرام نگیرند و خواب راحت نکندند
تا ایسکه قشون اجنبی را اعم از روس و انگلیس
و عثمانی از وطن مقدس خود بیرون نمایند،
ایرانیان باید بدانند که تا يك نفر قشون خارجه
در ایران موجود باشد امنیت داخله محال و شالوده
استقلال ایران بر آب خواهد بود، تا وقتی که قشون
خارجه در ایران باشد مستبدین که امروزه آله پیشرفت
اغراض روسند بجای خود نخواهند نشست، تا يك
سرمایز اجنبی در ایران باشد رؤسای بزرگ و نام داران
سزك اطاعت مرعوبانه از دولت جدید ایران نخواهند
نمود، واضح تر بگویم تا وقتی قشون خارجه ولو
یک نفر در ایران باشد دارالشورای ملی ما مهمل و
مشروطه ایران بلکه استقلال آن عاقل و باطل است
قشون همسایگان در ایران وارد نگردد مگر
از مرعوبیت جاهلان ایرانیان، واجاب تا این مدت
متمادی قشون خود را در ایران نگاه نداشته مگر
بواسطه سکوت و صوت ملت و دولت ایران

ایرانیان باید بدانند که سکوت و صوت این
مدت مدید آنها مورت نمجب دیپلماتهای عالم از
بی خبری شان گردیده، اگر ایرانیان چنان تصور
نمایند که اجانب قشون خود را بخودی خود وبدون

هیچ مناقشه بیرون خواهند برد خیال خام است، چه
قشونیکه امروزه همسایگان در ایران وارد نموده
بدون ضرورت و به بهانه بوده و بدون سفقتی
بیرون نخواهند رفت علاوه بر این تاریخ نشانی
نمیدهد خاصه درباره روس قشونش که بجای وارد شد
بخودی خود رفته مگر آنکه بطف بیرونش نموده باشند
لذا ایرانیان راست است که قشون همسایگان را
از ملك خود بیرون کنند نه اینکه منتظر ماند که
حسن نوع خواهی آنها به بیجان آمده از آن راهی
که آمده اند باز گردند

باید آنها را بیرون کرد، بچه حاور ؛ به نوك
مرعوبیت، به بیداری حسن ملت، از روی قانون
برالدول، از روی پلتیک و رقیب تراشی، بقوت
اتحاد ملت و مذهب

ایرانیان باید قبل هر اقدام بدانند وایقان نمایند که
مرعوبیتشان از همسایگان بیجا و از روی لاعلمی است،
ایرانیان را مرعوب اجانب نساخت مگر عیاشی
و تن پروری سلاطین قاجار خاصه ناصرالدین شاه،
ایرانیان باید بدانند که مرعوبیت بار نیارود
مگر ذلت و زبردستی، مرعوبیت نتیجه ندهد مگر
نکبت و عبودیت، باجاع دانایان قوم مرعوب شایسته
آزادی و سزاوار آقائی نیست، ملت مرعوب هرگز
نمیتواند بیای خود ایستاده استقلال خویش را باشد،
بیجا که هنوز هم هیولای دیو چهار شاخی که
چند قرن است سلاطین آل قاجار محض تن پروری و
عیاشی خود باسم هدکل روس در نظر ایرانیان
جلوه داده مجسم است؛ آخر تا کی ایرانیان بچه و
نافهم و مرعوب اولولوهای موهومی خواهند بود؟
من با هر اران دلیل عقلی و حسنی با صدای عالم
رسای خود فریاد میزنم که ابدا مرعوبیت ایرانیان
عقلانی نیست، مرعوبیتشان مبنی بر جهالت و بی علمی
است، مرعوبیتشان مربوط برملکه موهومه است که
آل قاجار قرنهایست در نظر آنها مجسم داده و
امروز همسایگان ایران دارند با منتهای اطمینان و
کمال بی انصافی از مرعوبیت ما فائده برمیگیرند

بارها نوشته بازهم مینویسیم که اگر ایرانیان با
حال کنونی خود اتحاد صمیمی داشته و ملت و دولت
در پیشرفت مقاصد وطن یگانه حرکت نمایند هیچ
دولت قوی بجه هیچ سلطنت مقتدری نتواند از
آنها فائده حاصل نمود، ایرانیان بواسطه بی خبری از
اوضاع داخلی و خارجی همسایگان خود و بواسطه
بی اطلاعی از گرفتاریهای سیاسی آنها و رقابت
اقتصادی و پلتیکی دول و بواسطه نشناختن موقع
سیاسی خود و ندانستن قوای طبیعه خویش بی جهت
مرعوب همسایگان گردیده اند اگرچه بظاهر وضع

مرور از آنها از ما بهتر است ولی اگر بدقت دریش آمد آنها تأمل شود مشکلات اندرونیشان بدرجات نفعی از ما پیش است

ایرانیان باید بدانند آن هیولای پیل سیاه روس که قرن‌ها در نظرشان تجسم نموده امروز نیست مگر پشه، در خانه خود مانند کرم بیله بقدری محصور تنیدنهای خویش شده که بقا و استقلالش دشوار و بعقیده دانایان دیری نمیگذرد که آن مملکت وسیع دست از هم برداشته تجزیه و ملوک طوائف خواهد گردید، انقلابات اندرونی روس خفیل از ایران پیش و لطاف این است که انقلاب ایران رو بخمودی و در روسیه رو باشتعال است، جمیع مواد انقلاب در روسیه جمع و منتظر اندک گرفتاری او بخارج است، از طرف دیگر وضع مالیه روس قریب بورشکست است و بهیچ گونه قادر بر این نیست که متحمل مصارف یک لشکرکشی بشود، برخی را عقیده این است که چون ایران قشون منظم کافی ندارد قبضه بر آن چندان دشوار نیست علاوه بر این که این حرف قابل تصدیق نمیباشد باقی جمیع دانایان هر دولت که بقصد تملک در ایران لشکر کشد جنگ سی ساله را برای خود دعوت کرده است ایرانیان باید بدانند که اسباب مهاجمه دیگر و لوازم دفاع دیگر است ایرانیان اسباب دفاع یعنی اسباب حفظ وطن مقدسشان همه قسم موجود است مشروط بر اینکه ترك مرعوبیت گفته و صمیمانه اتحاد نمایند ایرانیان بدانند که دشمن همه چیز ایران که روس باشد آنچه از آنها فائده گرفته از مرعوبیت ایشان است هرگاه ایرانیان ترك مرعوبیت گفته و در جلو اجحافات و زیاده‌پهای روس سخت بایستند روسیان پیش پای خود خواهند نشست

ایرانیان نباید متوقع باشند که خودشان در بستر بی خبری و بی حسی و مرعوبیت ننهد نوع خواهان یا همدردان انسانیت آمده روس را از ایران خارج نمایند ایرانیان باید با یک عزم صمیمانه و حس وطن خواهانه قانوناً و جدلاً در جلو روس ایستاده قشون و پرا خراج نمایند و اگر روسها از زیادتى باز نیایند در مقابله با او با هم قسم فداکاری حاضر باشند البته در آن صورت همدردان عوالم انسانیت از هر نقطه دنیا صدا بصدای آنها داده روسرا بجای خود خواهند نشاند ایرانیان باید بدانند که روسها را چه قصد و اراده در حق ایران است و درست اقوال و افعال روس را بجزان راستی و درستی موازنه کنند بدو ایقان نمایند که روسها مردمان وحشی دروغ زن و خود غرض و کاذب الوعد اند روسها بطریق رسمی اظهار داشتند که ما را هیچگونه اراده دخالتی در

امور ایران نیست دولت روس خیرخواه ایران است ولی برخلاف این اقوال دیدیم که چگونه محمدعلی را سرآ و عتلاً همراهی نموده چه انقلابی در ایران انداختند و بدون هیچ ضرورت به بهانه های پلنیکی قشون وارد ایران کردند در حین ورود قشون رسماً اظهار داشتند که دولت روس را ابداً قصد مداخله بامور داخله ایران نمیباشد و فقط اراده مان رساندن آذوقه و مفتوح داشتن راه جلفاست، ولی بمجرد ورود بایران آغاز وحشیگری و زیادتى نهادند و برای انداختن انقلاب در شهر تبریز و بهانه بدست آوردن کارها کردند که وحشیان افریقا هم مرتکب نمیکردیدند و با اینکه اعلان عوده بودند وارد تبریز نخواهند شد و از حدود خویش تجاوز نخواهند نمود در شهر تبریز اطراف آذربایجان پراکنده و بنای بی اعتدالی را نهادند، از طرف دیگر بدون هیچ ضرورت و لزوم روسیان قشون در خراسان وارد کرده تا آن درجه بی اعتدالی نمودند و ابداً شمار مسلمانان را مراعات نکرده توب بکنند علی ابن موسی الرضا بستند و دوستان نفر مسلمانان حقوق طلب را بقتل رسانیده و درین موقع هم از مرعوبیت ایرانیان کام روا گردیدند تا وقته طهران پیش آمده باز بلا سبب و جهت قشون و توب در قزوین وارد کردند و در آن شهر هم شکنجه کارهای قشون روس عالی را متعفن ساخت و این واقعات یکی بعد دیگری بر جرئت و جسارت روسیان افزود و بی دردی از مرعوبیت ایرانیان فائده برگرفتند، چون بهانه بدست روسیان نیوفتاد عتلاً آغاز به تجاوز نهاده با رحیم خان شوم عتدار بنای سازش را گذارده بدو با اسم اینکه ما غرامت از رحیم خان میخواهیم قشون به (اهر) فرستاده بر حسب اعلان خودشان رحیم خان را گرفته و با اینکه میدانستند مقصر دولت است و مکرر خودشان شکایت از سوء رفتار رحیم خان در دوره سابق و لاحق بدولت نموده بودند بعد از آنکه تعلیمات لازمه داده او را رهائی بخشیدند، دیری نگذشت که جنرال قونسل تبریز برای انجام عملی که مدنظر داشت به بهانه معالجه طیب مخصوص خود را نزد وی فرستاده و فوراً حرکت بجانب اردبیلش داده آن واقعه ناگوار را پیش و فوراً روسها به بهانه که قونسلخانه خود را محفوظ داریم عده قشون و توب باردییل سوق دادند لطاف اجحاست که بمجرد ورود قشون روس نایب جنرال قونسلگری روس با سایر افسران روسی دست بدست رحیم خان داده محبوبانه چندین عکس بر میدارند از عکسهای صفحه اول اخبار بخوبی کشف اینها تواننده از آن بعد که دولت

ایران با آن اردوی منظم در قلع و قمع و رحیم خان و تابینش کوشیده و او را از میان برداشت و رحیم خان عنوانه فرستاده عذر جراثم خویش خواست روسها دیدند که بعد از رحیم خان باب بهانه شان مسدود می شود با اینکه در قرجه داغ منتهای امنیت و آرامی بود و دولت کمال قدرت را داشت روسها بدون خبر و اظهار عذری سه دسته قشون برای فرار دادن رحیم خان بطرف قرجه داغ فرستاد ، همینکه دولت جدید ترك مرعوبیت گفته و سخت پروتست نمود قشون خویش را باز گردانده هر وسیله تا مشروع که توانستند رحیم خان را فرار داده برای مزید مرعوبیت و تهدید آینده ایران برخلاف قانون جمیع دول و منافع با دوستی يك دولت همسایه مانند محمد علی او را در قفقاز جای داده و در پناه خویش نگاه داشتند آنچه ذکر کردیم یکی از هزار و قطره از بحار حرکات و حیثیانه روس در ایران که هیچ برده نمیتوان بدینقی های او را پوشانید بود ، حرکات روس بخوبی ظاهر میدارد که نه تنها مشروطیت ایران را نمیتواند دید بلکه در صدد محو استقلال و دیانت ایرانیان است و اگر ایرانیان باین مرعوبیت ملبونه باقی مانند دیری نخواهد گذشت که صدها مانند رحیم خان و وقعه اردبیل را پیش آورده و رفته رفته بهانه های پلنتیکی تراشیده نه تنها قشون موجوده خود را در ایران باقی خواهد گذارد بلکه همروزه بر عده او و تصرفات خود خواهد افزود تا یکدفعه ما را مضمحل و نابود سازد ، مسلم است با این سکوت و آرام طلبی و مرعوبیت هیچ دولت بجایه ما بر نخواهد خاست و هر قدمی که روسها در شمال بردارد با هم حفظ حقوق خود انگلیسها هم بناچار می خویش را جلوه داده در جنوب پیش خواهند گرفت

ایرانیان بدانند که اگر ترك مرعوبیت نگفته و جندی دیگر قشون روس را در ایران باقی گذارند دیری نخواهد گذشت که از گره رقصانیهای پلنتیکی بهانه بدست آورده بصورت عبدالاحد امیر بخارا ، محمد علی را بایران باز خواهند آورد ، هرگاه ایرانیان پای نیفشمرند و سریعاً قشون روس را خارج نکنند دولت جدید قادر بر عود قوای خویش نخواهد گردید و همه روزه گریه تازه رقصانده دولت را مبتلای بمصارفی عظیم خواهند نمود

چطور باید قشون روس را خارج کرد؟
بر جمیع ملل و دول متمدنه عالم پوشیده نیست که ایرانیان در چنین موقع نازک قصد مهاجمه و جنگ با هیچ دولت ندارند ، قصد شان تجاوز و اجحاف هیچ يك از همسایگان نمیباشد ، ایرانیان درین موقع

اگر ساکت نشسته تن بهرگونه اجحافات اجانب بدهند نزد جمیع ملل متمدنه ملوم و سرشکته خواهند بود و بنابر شریعت مطهره گناه کار

لذا اول اقدامی که بر ایرانیان شرعاً عقلاً سیاستاً واجب فوری است همانا ترك استعمال امتعه روس و مراجعات مللی با اوست ، اگر ایرانیان شرف دارند دیانت دارند وطن می شناسند ناموس مینهند باید ترك نوکری ترك رواج مللی ترك استعمال امتعه روس را به نمایند (یعنی بالاجماع و در تمام ایران) و هرکس نمود ازین حکم نباید اعم بر اینکه تاجر باشد یا کاسب وزیر باشد یا امیر شاه باشد یا گدا باید از ملیتش خارج نمود و ترك جمیع علائق معاشرت را با او کرد ، ملتیان ایران نباید فراموش نمایند که در اصول سیاست خاصه در ممالک مشروطه درین گونه اقدامات ملت را وظیفه غیر از دولت است و این امر از وظائف ملت است بدون شرکت دولت ، بلکه تکلیف دولت منع و تکلیف ملت قبل از انجام امر عدم قبول و استماع است ، و بی ضرر ترین مداخلات ملیه امروزه در ممالک متمدنه همین اصول است و درین ضمن نیز باید ملت منتهای فشار بمجلس مقدس ملی و مجلس هم باید سخت از وزرا اخراج قشون روس را بخواهند و وزرا هم از پروتستهای لازمه بدولت روس و سایر دول متحابه فروگذاری نمایند چه امروزه دولت روس را در قیام قشون خود هیچ بهانه بدست نیست ، و از جواب تدافعی اینگونه پروتستها عاجز است هرکس آشنا با علم جرائد باشد میداند که دولت روس در عدم جواب پروتست دولت ایران من باب فرستادن قشون بقرجه داغ و نیز در امتناع از بحث مسئله قیام قشون خود چه قدر نزد ملل و دول متمدنه بدنام گردیده و تا چه اندازه منفور طالبان شده به بدعهدی و بدقولی و وحشیگری سر شده است ، آیا هیچ نبوتی برای بدینقی روس در ایران بالاتر ازین متصور می شود که امتناع از بحث من باب قیام قشون خود در ایران نماید؟ آیا دلیل بالاتر ازین هست که روس ادله تدافعی برای قیام قشون خود ندارد؟ امروز موقع آن است که ملت با يك هیجان مقولانه حقوق طلبانه در ترك مراجعه و استعمال امتعه روس قشون ویرا از خاک خود بیرون نمایند و نگذارند که بهانه دیگری برای خود بدستباری رحیم خانهای نوعی به تراشد چنانچه بارها نوشته ایم امروز سیاست ایران خواش میکند تشکیل يك رقابت سیاسی را برای قوت مدافعه پلنتیکی با دول متجاوز اگر ایرانیان از آغاز انقلاب در صدد تشکیل چنین رقابت سیاسی

مرگه باین وسیله هم علاج نشد و روسها دست از اجحاف برداشتند باید گفت لا حول ولا قوت الا بالله العلی العظیم و مستعد دفاع گردید و یقین باید کرد که مناد (الحق یلو و لا یعلی علیه) بمركز خود قرار خواهد گرفت

ایرانیان بدانند که اگر کار بمداومه کشید ولو بجنگ و گریز ایلان باشد و نوله در جمیع اروپا می اوفتد آنوقت که رقبای روس جدا سربلند کرده همدردی فعلی با ایرانیان خواهد شد و ادا باید از چیز زه و خوردی تشویش داشته مرعوب باشیم

مقام منبع ریاست روحانی اسلام

مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست است بدقت در خدایت کاری و بدعهدی و بدینی روس نظر فرموده و مذاقه در سیاسیات ایران کرده بدانند که اگر امروزه با کمال جدیت در جلو اجحافات ساحق روس نایستند فردا از عهده آن بر نخواهند آمد، کم کم دارد خوی عبودیت در ایرانیان کسب عمومیت میکند، اندک اندک روسها دارند هم بر قوت خود می افزاید و هم بر تصرفات ماجناز خویش، چه شد مواعید امپراطوری روس، کجا رفت وعده که بتوسط اعلیحضرت سلطان عثمان بشا کرده و اقیاع تان نموده که قصد تجاوز و مداخله بامور داخله ایران ندارد، و مجرد قیام امنیت روس قشون خود را عقب خواهد کشید، باید دانست که باتفاق سیاسیون در انقلاب ایران هیچگاه موقع آن نرسیده بود که خارجه قشون در داخله ایران از روی استحقاق وارد مایده سچرا، که به سدمه رعایای خارجه وارد ونه هیچگونه خوف زیان مالی و جانی بر آنها بود، نه حتی از آنها تلب شد و نه تجارتشان را خسارات عظیمه وارد آمد، ورودشان چون به بهانه بود اینک قیامشان مزید بر بهانه گردیده قرب یکسال است که قشون روس من غیر استحقاق وارد ایران شده و همه روزه مرید می شود و هر قدر بیشتر مواعید دلخوش کنی با داده زیادتر بر قوای خویش افزوده است و هر قدر ما ساکت مانده ایم و تجری روس افزوده اعم بر اینکه در شرع بلیک ایمای مواعید حرام است ملک روسیه بدعهدی و بد قولی است و در هر کجا قدم نهاد، تا اورا بیرون نکرده بخودی خود بیرون رفته است، روس بهمان خدعه و فریبی که از مواعید کاده بشا بزرگواران داده آن بان دارد وانه میگیرد چنانچه فتنه رحیم خان را انداخته عده زیادی قشون وارد اردبیل کرد و اینک نیز در فتنه انگیزی ساری است که بهر وسیله ممکن شود رحیم خانهای نوی را بدست آورد و فتنه تازه ایجاد کند

شما موالیان باز هم به دفا بازیهای روس و مواعید کاذبه اکتاع سوید استقلال ایران از میناب می رود این سلطنت اسلامی مضطرب می شود و در قیامت شما موالیان مسئولید، شما بزرگواران اقدام فرموده سلطنت ایران را مشروطه ساختید انجام این امر هم با شهاست، ورنه چند صباحی پیش نمی گذرد که نقطه ایران محل تکابوی اجانب و جنگ و تقسیم دول گردیده چند دولت بالمضاعت روس قشون وارد کرده درین میانه ایرانیان پایمال خواهند گردید، ادا جای شبه نیست که روس را از ایران بیرون خواهند کرد ولی رای ایران سودمند نخواهد بود، مانند بیرون کردن روس از کوریا که برای کوریایان فایده نه بخشیده برای همان جنگ متصوره است که اخبارات انگلیسی علناً زمزمه فرستادن قشون زیاد در جنوب می نمایند

مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست است که تا یک نفر قشون اجنبی که منای استقلال است در ایران باقی باشد از پای نه نشینند، بدوآ به تشبثات ابتدائی و اتمام حجت بدربار روس و عثمانی و ایران آغاز و هرگاه رفع غایله نگردید به حرمت استعمال امتعه روس و ترك رابطه او موقتاً حکم صادر فرمایند و اگر امر باین هم فیصل شود جدا باید حکم بحکم بجهت تدامی فرموده آن ذوات مقدسه، بیز بیرق اسلامی را بلند و بجانب ایران بشقابند، آوقت است که آسمان بر روس تیره شود چه حصه بزرگی از رعایای روس شیعه و مسلمان و پیرو و تابع مقام منبع ریاست روحانی اسلام اند، نه تنها از صدور چنین حکم اجباری و نوله در عوالم اسلامیت می اوفتد بلکه زلزله در اروپا می اندازد و دول سائر و نوع خواهان عوالم انسانیت در حال برای رفع آن اختلاف عظیم مجبوراً بروس تاحه، ویرا از شرارت باز خواهند داشت، در هر حال دولت روس ملوم بوده و خواهد بود که تجاوز می نمود، نه مقام منبع ریاست روحانی و دولت و ملت ایران که بمحتوق طلای خویش برخاسته اند، باز هم مکرر می نمایم که اگر ریاست روحانی اسلام و ملت و دولت ایران مرعوبیت نامشروع را پیش نمایند و تن باین زیادتیها واجحافات بدهند تیرتد پیرشان از شصت رها می شود و در نزد خلق و خالق ما خود ملوم خواهیم بود که مرعوب شده تن پروری اختیار کرده ایم نه کسیکه بر ما بناد الحق لمن غلب تاخذه بخاک سپاهان نشانده اند، ما راست است که اگر عزت می خواهیم وطن می خواهیم دین می خواهیم ناموس می خواهیم همان رفتاری که ایخلاقان کرده اند اختیار نمایم، یعنی این آیه می باشد و ما عاره آورده گوش جوی داریم، در فضیلت امامین علیهم السلام

قتل از روزنامه شریقه مجلس

طریق پیشرفت مسلك اجتماعیه را غامیون

(در ایران)

اگر بنظر دقت به قرون اخیر ایران توجه کنیم یا بتاریخ سلاطین جور و ظلم بنگریم و از اوضاع دنیا هم یا خیر باشیم میدانیم که آنهمه ظلم و جور و هوا پرستی و شهوت رانی اولیاء امور و اعیان و اشراف مملکت که هر يك ساطانی مقتدر یا مالك الرقابى قادر بودند مندرجا احداث يك قوه دافعه نموده و برخلاف احکام جبرانه ستمگاران حس تقاضای يك حکومت قانونی را در خاطر عامه تولید کرد و اگر سلاطین در حوزه حکمرانی و دوره اقتدار خود بر فرض محال بمدالت رفتار مینمودند یا در ستمگاری این قدر بی باکانه حرکت نمیکردند این پیش آمد امور را مشاهده نمینمودند و رهسپار بمنزل عدم نمیشدند

پس همیشه بواسطه اعمال جبرانه و افعال طامنازه يك دسته از مردم جاهل نادان بیرحم خون خوار هوا پرست تولید يك مسلك منقته مدافعی نشده برخلاف رفتار جبرانه آنان مقاومت مینماید و در این وقت البته بمقتضای قدرت و توانائی که خداوندان جور و ظلم مالك آن هستند ما این قوه طبیعی سکه باقتضاء طبیعت تشکیل یافته مقاومت خواهند نمود و تا آخرین نفس راضی نخواهند شد که سلب اختیارات نامه از آنها بشود، و باصطلاح اول قدسی که در این موقع برداشته میشود تصادف دو قوه متدافعه متضاده و حدوث انقلاب و بزور فتنه و فساد است که جمعی از مردمان جاهل نادان که سلطان یا والی یا حاکم و من حیث المجموع دولت نام دارند با قوای قهریه و استعدادات کامله در مقابل قوه دفعیه طبیعی یعنی باجمعی از مظلومان ستم دیده ظلم کشیده که دست اتفاق یکدیگر داده عدم رضایت خود را از حکومت ظلمانه اظهار و از هیئت جامعه و حقوق اجتماعیه خود دفاع می کنند یا بصارت دیگر خانه های خراب شده یا اموال غارت رفته یا خونهای بناحق ریخته یا فقر و پریشانی و ذلت و ناتوانی مردمان بیچاره يك مملکت و این امری و خون خوارى و بی جاى

فوق العاده میشود سکه، ارباب قدرت و توانائی و صاحبان ثروت و نفوذ ملت را چوشت گوشت قربان بطرف خود میکشند طوق بندگی و زنجیر عبودیت را بر گردن آنان میبندند و ملت هم سر تمکین و اطاعت نداشته سرکشی و طغیان آغاز مینمایند و بر اعدام آن جماعت معدود نابکار میکوشند این دوره را دوره انقلاب مینامند کارکنان ایران در این سه ساله اخیر که موقع جنگ و نزاع و شورش و انقلاب بود تکلیف خود را بر اضاء نائره جنگ و جدال ندانستند بلکه رحسب لزوم و اقتضا آن آتش را دامن زده بر انقلاب و شورش می افزودند و مقصود از تمام این انقلاب و آشوب ایران اضمحلال اساس استبدادی و ایجاد سبب مشروطیت بود و بحکم طبیعت این انقلاب لازمه و محتاج الیه انجام مقصود و مرام بود و بر عکس برخلاف آن اقدام میکرد برخلاف طبیعت قدم نهاده بتر ملامت گرفتار میشد و جز خستگی و ملالت و تزییع وقت سیهودگی حاصل نمیداد و این را هم باید دانست که دوره انقلاب ایران را يك حادثه عظیمی پیش آمده که حاتم پذیرفت و الا بقول حکما مملکت کاملاً خونهای فاسد بیرون رفته تصفیه کامل و دانایان از مزاج نموده بود و اگر بحال طبیعی میباید و دنباله انقلاب مختصر امتدادی حاصل میکرد تا فضولات طبیعت را از خود دور نمینمود و بسکوت و آرامی میگذازد ولی فشار ورود احباب بخاک ایران و جلوگیری دول تا يك درجه مانع پیش رفت اجرائیات طبیعت شده قبل از انتضاء وقت چنان که باید کار را باخر رسانید

حالا دانشمندان ایران و کارکنان مملکت در این موقع چه تکلیفی دارند، آیا با اینکه کار باخر رسیده حوزه سلطنت استبدادی برچیده شده بامناسبات ورود قشون در خاک ایران که به عنوان ناامنی و جور و ورور خود را جائز دانسته آیا باید دامنه انقلاب را کشیده تجویز شورش و بلوا نمایند یا آنکه به آرامی و ملایمت باصلاحات و رفع موانع بکوشند در مقابل اقدامات کمام خونخوار جابری انقلاب نمایند یا در مقابل کمام مانع ترقی مدافعت و نزاع کنند اینک که وطن عزیز چون مریض

برداشته اعاده قوه و توانائی مینماید آیا چه تکلیبی به پرستاران مهربان است گویا در نظر هیچ عاقل هانا یا منصف خیر خواهی جز استعمال اغذیه قویه و حفظ مناسبات و ملائمت طبیعت جائز نباشد، هر فیلسوف و دانشمندی که بر حالت حالیه مملکت بنگرد جز باعتماد و اقتصاد حکمی فرماید مملکت ایران بعد از چند سال انقلاب امروزه خود را از گرداب حوادث نجات داده و با هرار گونه ضعف و ناتوانی استقلال خود را خواستگار است

ایران کنونی در نظر تمام افراد دانایان غیر از ایران قدیم و تکلیفاتی غیر از تکلیفات سابق است اگر آروز جنگ لازم بود امروز صلح اولی است اگر آروز مقتضی تسه روی بود امروز مقتضی اعتدال است، یعنی بحکم طبیعت پس از هر انقلابی اعتدال است که باید در ایام انقلاب خراب کرده و در ایام اعتدال بنا نمایند. ایست امروزه کارکنان مملکت مسلک اعتدال را اتخاذ نموده هر کس برخلاف آن رفتار نماید مضر باستقلال وطن میدانند و تمام قوای در حفظ اعتدال صرف نموده مخالفین اعتدال را یا جان و یا نادان می خوانند، اقوی شاهد و دلیلی که بر لزوم مسلک اقتصادی را دارد لایحه ایست که از مرکز اجتماعین عامیون رسیده است این فرقه محترمه که انقلاب ایران را باعث بوده از بذل جان و مال در مدت انقلاب در حصول مقصود مقدس مصایقه نموده و میتوان گفت که مشرویت امروزه از او همت غیورانه آتش ثبوران وطن تحصیل شده است ما را با اعتدال بصیحت و سفارش و از تند روی منع میکنند ما عین آن لایحه را در ذیل این مقاله درج و به همین دلیل مقتضی کان شای الاکتفا و قناعت نموده از تطویل کلام و استدلال برای اثبات این مقصود صرف نظر بظلمه و دور و دقت در مصامین عالی، آن لایحه ارجاع و واگذار میباشیم

صورت لایحه اجتماعین عامیون از مرکز

(بام نامی وطن مقدس ما ایران)

خدمت هیئت جامعه سالکان طریق اسانیت و طرفداران مسلک مقدسه اجتماعین عامیون پس از اظهار امتنان و تشکر از حسن بخدمت و اقدامات و نطق راهی که بتوسط نمایندگان محترم از برای نشر افکار

حریت - آزادی - برابری بوده داده شده است در جواب خاتمه آن بیانات شریف میگوئیم، زنده باد طرفداران اسانیت

رفقا هر چندیکه از بعضی حق ناشناسها دلتنگ و از اختلافات داخلی در رنجید ولی نباید فراموش کنید که این قبیل اتفاقات بعد از هر انقلابی طیبی است چنانکه بر اهل عالم مبرهن گردید که در اقدامات و مجاهدات این فرقه بجز استقلال ایران مقصودی و غیر از تحصیل مشروطیت ایران منظوری نبود لهذا در این موقع مقدم بر همه چیز صاحبان عقاید سلیم و طرفداران مسلک مستقیم را نیز لازم میاید که قطع نظر از تمام ملاحظات کرده بقدر امکان هموطنان را بخیالات جدید آشنا سازند و اشخاصی را که بر ضدیت این مسلک حاضر شده و جاهلانه بر سر می بچند باید برعکس زمان انقلاب (با زبان پس) و بصایح مافلاسه تغییر در افکارشان داده ابدأ از وظیفه اعتدال خارج نشوند و حی الامکان هم عقیده و هم مسلک در شورای ملی و در خارج حاضر میاید

رفقا - البته دانستاید که فقط تحصیل مشروطیت کافی نیست بلکه زحمت و مشقت آزادی خواهان در آتیه است بدون خستگی بکوشید با اتحاد که نجات وطن مآفاق است برهیز کنید از فساد که باعث اضمحلال وطن ما مآفاق خواهد بود، جمعیتهای نشر معارف تشکیل بدهید در افتتاح مدارس ابتدائی تلاش کنید تعلیم اجاری را مجری دارید و از برای ترویج عقاید و مسلک خود روزنامه مسلکی دایر میاید، زنده باد فرقه اجتماعین عامیون، پاینده باد اتحاد و آفاق

مکتوب از پاریس

البته بواسطه جراید از ماموریت جناب مستطاب مستطاب اجل ممتاز السلطنه وزیر مختار پاریس بسمت سفیر فوق العاده بدربار بلژیک در موقع تشییع جنازه لیوپولد دویم پادشاه بلژیک و تاج گذاری پادشاه جدید اعلیحضرت آلبرت اول خاطر شریف مستحضر شده است

سازوت فوق العاده با اجزای محترم مثل نواب والا شامزاده بجهت الهیله پس فرمایند در اینجا

زده و بخوبی این خدمت را انجام داد

مملکت جناب ممتاز السلطنه از عهد قدیم بایران
بمشروطه ابرایش اظهار من الشمس و مستغنی از
مریفت است ولی خدمتی را که در ضمن طموریت
جدید خود شان در باژیک کرده کسی نمیداند و
بیک برای مزید امیدواری و مسرت خاطر ایرانیان
نمودان و وطن پرست این بنده را سعادت اعلان
آن حاصل میشود

البته در خاطر دارند که چند سال است که
پارلمان های ملل متمدنه اتحادی فیما بین خود شان
کرده و اداره دارند مسمی اداره اتحادیه پارلمنت های
بن الملل و تقریباً سالی یک دفعه دو یکی از بی تخت
های بزرگ کنفرانسی مرکب از اعضای پارلمنت های
دول یعنی وکلای ملی که مبعوثاً می آیند تشکیل
داده میشود و باین واسطه خدمات بزرگ به عالم اسانیت
و تمدن کرده و مسائل مهمه را حل میدیابند و
پارلمنت ها طاب خود شان بیک دیگر کمک نموده و
مقاصد خود شان را از پیش می برند ، چنانکه در
موقع خرابی مجلس اول ابرایش کنفرانس مزبور
تصادفاً در برلین جمع بود و جمعی از وکلای ملی
بجاریه ما که تبعید شده بودید رو به برلین رفتند
ولی چون مجلس ملی ایران داخل این اتحادیه نشده
بود بمقاصد خودشان رسیده مابوس و متالم برگشتند
جناب ممتاز السلطنه موقع را عنینت شمرده در
بروکسل با مسیو (برنار) صدر اعظم سابق بلژیک
و رئیس اداره اتحادیه پارلمنت های بن الملل که از
رجال بزرگ فرنگ و از علامه های دهر هستند و
با ایشان سالها است دوستی دارند و در کنفرانس
دویم لاهی مخصوصاً خدمات نمایان با هم به عالم تمدن
و صلح کرده بودند ملاقات فرموده و بعد از مذاکرات
لازمه قرار دخول مجلس مقدس ملی ایران را باین
اتحادیه گذاشته و مراتب را بدولت علیه اطلاع داد
و حالا منتظر وصول وکالت از طرف مجلس مقدس
ملی است که مراتب را رسماً هم اعلان نماید ، چون
این مؤده بواسطه مسرت خاطر دوستان حقیقی و
وطن پرستان می دانم بهر ض وسایعیم

(ایضاً)

سجده (ممبر پارلمنت) بروکسل دار الفنون کبریج
انگلیس که ایران دوستی چون آقای روشن و

با آن همه علم و خصایص فطری که در وجودش
هویدا است و خدمات ما فوق التصور بمشروطه و
مشروطه خواهان ایرانی سکردند بر حسب دعوت
دوستان خود مشاعل خود را گذاشته برای خدمت
بایران و مزید حسن ظن فرنگستان دوباره ایران
جدید بیاریس تشریف آورد و در مدرسه السنه
شرق شش کنفرانس در باب ایران داد و تاریخ
جدید ایران را از سلطنت ناصرالدین شاه الی یومنا
هذا با افضالاتی که روی داده است کا هو حقه و
باسناد بیان فرمود و با ادله و براهین نجات مات
ایران و حسن ظن خودشان را در باره آن و نتایج
حسنه مشروطه را ثابت کرد تمام ایرانیان میتیمس
مدارس بزرگ و جمعی از فرنگی ها و اعظم هر روز
در کنفرانس های ایشان حاضر شده و اعضای رتبه
اتحادیه فرانسه و ایران را جزو خود شان می دیدند
جناب ممتاز السلطنه محض تشویق این عالم بی مثال
و دوست قلبی ایرانیان و اصضای مذاکرات بسیار
مفیده ایشان چهار روز از شش روز را شخصاً
حضور بهم رسانیده و در صندلی مخصوص که طرف
راست ناطق هنرمند بود قرار می گرفت ، جناب مسیو
(بویه) رئیس مدرسه السنه شرق زمیر که نایب الرئیس
اتحادیه فرانسه و ایران است در این موقع ابرایش
دوستی خودشان را ثابت کرد روز آخر کنفرانس
طلاب ایرانی جمع شده دسته گاهی بجناب پروفیسر
براون تقدیم کردند و بتوسط حسعلی خان ممتاز الوزاره
(برادر وزیر مختار که همین امسال مدرسه حقوق
و مکتب سیاسی پاریس را تمام خواهد کرد) نطق
خوبی کرده تشکرات خود شان را بجناب پروفیسر
براون در محضر عمومی بیان کردند

از طرف جناب وزیر مختار دو مهانی بسیار
مجللی در این موقع بشرف معزی الیه در سفارت
ایران داده شد ، یکی شام ۲۴ نوری مرکب از هیئت
رئیس اتحادیه فرانسه و ایران و جمعی از وزرا و
معلمین نامی و اجزای وزارت امور خارجه فرانسه
و چند نفر ایرانی ، دیگری فقط مرکب از ایرانی ها
از جمله خود نگارنده و بسیار مجالس با شکوه مجلی
بودند و می توان گفت در این دو مجلس جمعی از
بزرگان را جناب ممتاز السلطنه بجزگه عجبان ایران
در آورد و آنها را اثر نماید حسنه پروفیسر براون